

# نسبت آزادی های فردی و امنیت ملی با تاکید بر آزادی بیان در مطبوعات<sup>۱</sup>

دکتر اسداله باوری\*

شقایق تقوی نیا\*\*

## چکیده

آزادی و امنیت دو کلید دست یابی به یک جامعه مترقی و حکومتی مردمی است. بدیهی است هر کدام از این اصول در کنار دیگری معنا و تحقق می یابد. از این رو برای حصول هر یک باید راه دیگری را هموار نمود. در این پژوهش توجه ویژه ای به آزادی بیان در مطبوعات گردیده است. چرا که آزادی بیان از جمله آزادی های فردی می باشد که بهره مندی از آن نیازمند وجود دموکراسی و حضور دولتمردان انتقادپذیر است. از آنجا که مطبوعات طیف وسیعی از افراد را مخاطب قرار می دهد و تاثیر گذاری بیشتری بر افکار عمومی دارد، در این پژوهش این قالب از آزادی بیان برگزیده شده است تا مورد بررسی بیشتر قرار گیرد.

برخورداری مردم از آزادی همانند دریچه اطمینانی است که وجود آن تضمین کننده امنیت کشور است. بنابراین می توان گفت چنانچه دستگاه حکومتی به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها ملزم باشد و صرف اینکه عملی را تهدید علیه امنیت ملی می داند، اقدام به مجازات مرتکب آن نماید و قوه مقننه نیز هنگام وضع قوانین بی طرفانه و آگاهانه اقدام نماید، هم آزادی های مشروع افراد حفظ میگردد و از این طریق ارزش های اخلاقی و انسانی ظهور میابد، هم امنیت ملی از خطر اغتشاش و نا آرامی مصون می ماند.

**کلید واژگان:** آزادی و امنیت، مطبوعات، آزادی بیان.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۶/۲۳

۱. تاریخ تحویل: ۱۳۹۱/۴/۱۶

\* عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی. (نویسنده مسئول)

\*\* کارشناس ارشد حقوق عمومی.

آزادی و امنیت دو کلید دست‌یابی به یک جامعه مرفه و حکومتی مردمی است. بدیهی است هر کدام از این اصول در کنار دیگری معنا و تحقق می‌یابد. از این رو برای حصول هر یک باید راه دیگری را هموار نمود؛ پیشینه‌ی پاسداشت امنیت و آزادی در جوامع متمدن نشانگر این مسئله است که این دو مفهوم از فطرت بکر انسانی سرچشمه می‌گیرند. تا آنجا که هر فطرت آگاه و پاکی مخدوش نمودن آزادی و امنیت افراد بشر را مذموم و ناپسند می‌داند. لکن نباید از نظر دورداشت که مجرای رسیدن به امنیت، حفظ آزادی و شاهراه اصلی حفظ آزادی برقراری امنیت است. هر دوی این مفاهیم جاری و ساری در یکدیگر و در تعامل مستقیم با یکدیگر هستند. از این رو افراد بشر با قراردادهای اجتماعی که از دیرباز بین خود منعقد نموده‌اند، از بخشی از آزادی‌های خود در جهت حفظ امنیت جان و مال و ناموس خود به وسیله‌ی حکومت صرف‌نظر کرده‌اند و در مقابل آن تهدید و تحدید نمودن آزادی‌های مسلم و به حقشان را شرط بقای امنیت در جوامع خود قرار داده‌اند زیرا بی‌تردید افرادی که آزادی‌های مشروعشان نادیده گرفته شود، حتی به واسطه‌ی برهم زدن نظم و امنیت جامعه در پی اعاده‌ی آزادی‌های نادیده گرفته شده‌شان بر می‌آیند.

آزادی عقیده، اندیشه، مذهب و دین در صورتی ارزشمند و نشانگر یک حکومت مردم سالار است که انسان حق و آزادی بیان آن را نیز داشته باشد. به همین دلیل همه‌ی این آزادی‌ها در سایه‌ی آزادی بیان عینیت و فعلیت می‌یابند و برای آزادی بیان نیز هیچ دریچه و راهی بهتر از مطبوعات نیست. چرا که هم مخاطبان گسترده‌ای دارد و هم به دلیل مکتوب بودن اثر ماندگارتری دارد و از طرفی نیز به دلیل آن که مطبوعات اطلاعات روز جامعه را منعکس نموده و آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهند از این رو با مکتوبات دیگر که همان کتب هستند تفاوت دارند.

باید توجه داشت که حفظ امنیت ملی و اقتدار حکومت در کنار آزادی افراد یک ملت عناصر متعامل و متلازمی هستند که در عین حال در چالش با یکدیگر قرار دارند؛ هر چه حکومت به حفظ قدرت حکومتی مایل باشد بیشتر به سمت و سوی حکومت استبدادی پیش می‌رود. در مقابل، در حکومت‌های مردمی بیشترین توجه دولت به حفظ آزادی‌های مشروع افراد است.<sup>۲</sup> در این خصوص اصل نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اشعار می‌دارد: «هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب کند».

این نوشتار درصدد است تا چالش‌های اساسی بین این دو مفهوم را بررسی نماید. از آنجا که آزادی مطبوعات یکی از صور آزادی بیان است که دارای ویژگی‌هایی مثل مکتوب، به روز و ماندگار بودن و تاثیرگذار بر طیف وسیعی از جامعه می‌باشد، از این رو در این پژوهش این صورت از آزادی به مثابه یک نمونه اعلاء و تاثیرگذار انتخاب شده است. مسئله اصلی این است که چه رابطه‌ای بین مفهوم آزادی فردی و امنیت ملی وجود دارد؟ آیا نفی یکی به معنای دوام و استقرار دیگری است یا اساساً بین این دو مفهوم نقطه تلاقی و تعارضی وجود ندارد؟

پاسخ به این پرسش‌ها در دو مبحث عنوان گردیده است. در مبحث اول مفاهیم و اصطلاحات بنیادین مورد نظر بررسی و چارچوب مفهومی آن تبیین شده است. در مبحث دوم نیز بطور مفصل به تبیین رابطه پیش گفته پرداخته و با تأکید بر قوانین و مقررات مختلف از جمله قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون مطبوعات و .... پرداخته شده است.

روش پژوهش از نوع توصیفی و تحلیلی بوده که با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و با استناد به کتب، مقالات، قوانین،

۲. هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دادگستر، چاپ دوم، جلد دوم، ۱۳۷۸، ص ۲۲۳.

مقررات، رویه های جاری و نظریات و آراء دکترین در حوزه ذی ربط و تحلیل و تفسیر آنها به انجام رسیده است.

## مبحث اول: آزادی بیان و قلم

آنچه بر زبان و قلم جاری می گردد بر گرفته از فکر و ذهن آدمی است. در واقع هر دوی این توانایی ها مختص انسان است. زیرا تنها بشر است که توانایی تفکر و به تبع آن بیان و گفتگو را دارد. از همین روست که فلاسفه آدمی را حیوان ناطق نامیده اند.

درواقع محصول به بار آمده تفکر از طریق زبان و قلم از ذهن خارج می گردد و تجسم بیرونی می یابد. در واقع بیان و قلم هر شخص مبین تفکر و عملکرد و ذهن اوست.

دو مصداق مهم از آزادی های فردی، آزادی بیان و قلم هستند. این اهمیت نیز از آن جا ناشی می شود که وجود آزادی عقیده و اندیشه به تنهایی نشانگر یک جامعه آزاد نمی باشد، بلکه آزادی عقیده و اندیشه زمانی ارزشمند است که با آزادی ابراز آن همراه باشد. از این رو در این مبحث به معرفی این دو مصداق مهم از آزادی های فردی می پردازیم. هر چند آزادی قلم همان آزادی بیان است که به صورت مکتوب اعمال گردیده است لکن در دو گفتار مجزا به معرفی دقیق تر آزادی بیان و آزادی قلم می پردازیم.

## گفتار اول: مفهوم آزادی بیان

آزادی بیان صورت فعلیت و عینیت یافته آزادی های فکری است. بنابراین بیشتر در چالش با امنیت ملی و دستگاه حاکم قرار می گیرد. از این رو با توجه به موضوع نوشتار در اینجا پرداختن به این قسم از آزادی های فردی از اهمیت بیشتری برخوردار است.

## بند اول: مفاهیم کلی

همان طور که اعلامیه حقوق بشر نیز اشاره می نماید، آزادی بیان یکی از صور آزادی فردی و حق طبیعی انسان است. هر انسانی در جایگاه خود از این حق برخوردار و بهره مند است برخوردار از این حق تا جایی بدیهی و ضروری است که بهره مندی افراد جامعه از آن نیاز به اعطای قانون گذار ندارد، بلکه چنین حقی از پیش برای شهروندان وجود دارد. این شکل از آزادی بر خلاف آزادی های سیاسی، برای همه شهروندان جامعه، حتی اگر از اتباع آن کشور نباشند، قابل تصور است. هم چنین برخورداری از آن نیاز به رسیدن به سن خاصی ندارد و هیچ فردی حق ندارد این حق را از خود سلب نماید.<sup>۳</sup>

آزادی بیان از جمله مسائلی است که امروزه بیش از آن که رنگ و بوی حقوقی اش برای مردم آشنا باشد، با جلوه ای سیاسی به مردم معرفی می گردد و بین آنها جلوه گر، نماد و میزان سنجش سطح مردمی بودن یک حکومت است. در واقع هر چه مردم یک جامعه در بیان عقاید و آراء خود در هر زمینه ای (سیاسی، مذهبی، اجتماعی...) آزادی بیشتری داشته باشند، برای آنها به این معناست که حکومتی انتقادپذیر و دموکراتیک بر آنها حاکم است. با توجه به چنین جایگاهی که آزادی بیان در جوامع انسانی دارد، شایسته است حاکمان جامعه نیز در جهت اعمال و حفظ آن تدابیر

۳. کاتوزیان، ناصر، آزادی اندیشه و بیان، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۱۰۳.

و تضمینات ویژه‌ای وضع نمایند. همان طور که ابتدای بحث اشاره شد در سطح بین‌المللی به این مسئله پرداخته شده است. قوانین داخلی کشورها نیز از این معقوله غافل نبوده‌اند لکن ما در این مجال تنها به بررسی جایگاه آزادی بیان در قانون اساسی ایران می‌پردازیم و پس از آن نیز اشاره‌ای به جایگاه این مسئله در دین اسلام می‌نمائیم.

اصل آزادی بیان در بیشتر اعلامیه‌های حقوقی به عنوان اصلی مهم مورد توجه قرار گرفته است. از جمله اصل ۱۴ اعلامیه حقوق ۱۹۴۶ فرانسه در این خصوص بیان می‌دارد:

هر کسی آزاد است سخن بگوید، بنویسد، چاپ کند و انتشار دهد...<sup>۴</sup>

بند دوم از اصل ۲۳ قانون اساسی ایران به طور ضمنی به آزادی بیان عقیده اشاره می‌نماید. در این اصل تفتیش عقاید ممنوع و تعرض و مؤاخذه افراد صرف داشتن عقیده‌ای خاص ممنوع اعلام گردیده است. ظاهراً این اصل تنها به آزادی عقیده اشاره دارد و سخنی از آزادی بیان عقیده به میان نیاورده است. اما به نظر می‌رسد که غرض واضع این اصل آزادی ابراز عقیده بوده است. زیرا در غیراین صورت وجود آزادی عقیده بدون امکان بیان آن بی‌فایده و بی‌معنی است. زیرا همان طور که واضح است عقاید درونی هر شخصی به خود او مربوط است و قانونگذار نه می‌تواند و نه شایسته است که به افکار و عقاید افراد راه یابد. آن چه در عالم حقوق بدان توجه و اعتنا می‌گردد واقعیات خارجی است و آن جا هم که نیت و قصد افراد مطرح می‌گردد، به دلیل رفتاری است که این اندیشه و نیت بر رفتار اجتماعی آن‌ها دارد. علاوه بر این چنانچه به افراد اجازه ابراز عقایدشان داده نشود، چگونه می‌توان آن‌ها را در قبال عقایدشان مورد مؤاخذه قرار دارد؟ بنابراین در واقع منظور این اصل است آن است که مؤاخذه افراد صرف «اعلام عقایدشان» ممنوع است. علاوه بر این‌ها وجود اصل ۲۴ مبنی بر آزادی بیان از طریق مطبوعات در ذیل اصل ۲۳ مؤکد این مطلب است که مقنن در اصل ۲۳ از آزادی بیان حمایت نموده است و در اصل ۲۴ یکی از مصادیق این شکل از آزادی را که همان آزادی بیان از طریق مطبوعات است مورد تذکر قرار داده است. حتی اصل ۲۴ نیز به تنهایی و به طور کلی مبین آزادی بیان است. زیرا مطبوعات نیز چیزی نیستند به جز عده‌ای از افراد که آن‌ها را تشکیل می‌دهند. بنابراین می‌توان استنباط نمود که یکایک شهروندان نیز در بیان کتبی و شفاهی خود آزاد هستند.

زیرا آن چه از طریق مطبوعات بیان می‌گردد به اطلاع تعداد کثیری از افراد می‌رسد و آثار اجتماعی شدیدتری را نیز به بار می‌آورد و همین طور از نظر زمانی نیز بیانات مکتوب ماندگارتر هستند. بنابراین در جایی که چنین شیوه بیانی مورد حمایت قانونگذار قرار گرفته است، بی‌شک بیان ساده‌ی افکار و عقاید نیز از این حمایت بهره‌مند است. در مبحث بعد به طور کامل‌تری اصل ۲۴ را مورد بررسی قرار خواهیم داد. لکن در ادامه به بررسی اصول دیگری از قانون اساسی که به آزادی بیان جمعی توجه دارد خواهیم پرداخت. زیرا نه تنها آزادی بیان به طور فردی، بلکه به صورت جمعی و سازمان یافته نیز مورد توجه قانون اساسی ایران است، صرف نظر از اصل ۲۴ قانون اساسی که در خصوص آزادی مطبوعات و نوع خاصی از ابراز جمعی عقاید است و بعداً بدان می‌پردازیم، اصول ۲۴ و ۲۷ قانون اساسی در این زمینه قابل توجه می‌باشند. اصل ۲۴، احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده را، مشروط بر این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی ایران را نقض نکنند، آزاد معرفی می‌نمایند و هم چنین نمی‌توان هیچ کس را از شرکت در آن‌ها منع نمود. اصل ۲۷ نیز تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها

۴. قاضی، ابولفضل، بایسته‌های حقوق اساسی، تهران: میزان، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۸۵، ص ۱۴۹.

بدون حمل سلاح و مشروط بر آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد معرفی می‌نماید. همان طور که در نگاه اول به نظر می‌رسد این اصول به طور مستقیم از آزادی بیان سخنی به میان نیاورده‌اند، اما روشن است که آزادی‌های عنوان شده برای گروه‌های مذکور در این اصول بدون وجود آزادی بیان هیچ ارزشی ندارند. چه آن که بدون وجود آزادی بیان در واقع تشکیل احزاب و اصناف و... بی‌معنی خواهد بود. در نتیجه می‌توان گفت اگر به دلالت مطابقی نتوانیم بگوییم این اصول آزادی بیان جمعی را به رسمیت شناخته‌اند، دست کم به دلالت التزامی می‌توانیم چنین ادعایی را بنمائیم. با این حال محدودیت‌های مذکور که با عبارات کلی «استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی ایران و مبانی اسلام»، در این اصول عنوان شده‌اند، تهدیدی برای آزادی بیان جمعی و بخصوص آزادی احزاب است، چرا که تعریف خاصی از این موارد در قوانین عادی صورت نگرفته است. این در حالی است که اصل ۲۴ موارد محدودیت مطبوعات را به قانون عادی واگذار نموده است. لکن به نظر می‌رسد که قید انتهای اصل ۲۴ در خصوص اصول ۲۴ و ۲۷ نیز قابل اعمال است. چرا که اولاً مطبوعات در این زمینه واجد خصوصیت ویژه‌ای نیستند تا این قید به آن‌ها اختصاص یابد؛ ثانیاً اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها مانع از آن است که با بکارگیری عبارات کلی احزاب و اجتماعات تعطیل و اعضای آن‌ها مجازات شوند. بنابراین باید پذیرفت که در مقام الزام به تعطیل و توقیف این گروه‌ها و مجازات اعضای آن‌ها در صورت نقض قیود مذکور، مجلس شورای اسلامی مورد خطاب مستقیم قانون اساسی است، نه دادرس. بنابراین مجلس شورای اسلامی باید در اجرای این قیود مواردی را که جرم محسوب می‌شوند با بیان دقیق عناصر آن مشخص نمایند.<sup>۵</sup>

### بند دوم: شیوه‌های متفاوت اعمال آزادی بیان و موضع ایران

همان طور که گفته شد آزادی بیان از جمله صور مهم آزادی‌های فردی است که در هر جامعه‌ای مورد توجه و اعتناست. لکن با توجه به نظام سیاسی که حکومت هر کشور برای خود بر می‌گزیند، شیوه‌های متفاوتی برای به موقع اجرا گذاردن این شکل از آزادی انتخاب و اعمال می‌گردد. این شیوه‌ها عبارتند از: «شیوه تنبیهی و شیوه بازدارنده» که شیوه اول سنتی و کاملاً هماهنگ با روح آزادی خواهی استو طبق آن شهروندان حق دارند کلیه آزادی‌های مقرر در قانون حقوق موضوعه از جمله آزادی بیان را بدون هیچ گونه محدودیت و بدون نیاز به کسب مجوز از مقامات اداری و قضایی مورد استفاده قرار دهند و تنها مکلف به رعایت محدودیت‌های مقرر در قانون هستند. لکن در شیوه بازدارنده شخص برای اعمال و اجرای آزادی‌ها ملزم به کسب اجازه قبلی می‌باشد. که صدور مجوز نیز غالباً از سوی یک مقام اداری صورت می‌پذیرد و البته می‌تواند در صورت لزوم اجرای آزادی‌ها را متوقف سازد. البته مقام اداری غالباً مکلف است در صورت وجود شرایط قانونی مجوز لازم را با افراد بدهد. لکن گاه شرایط قانونی کلی و مبهم نظیر دارا بودن صلاحیت اخلاقی و عدم اشتها به فساد اخلاق، این امور را تا حدود زیادی سلیقه‌ای و روح آزادی خواهی را مخدوش می‌نماید.<sup>۶</sup>

### گفتار دوم: مفهوم آزادی قلم

<sup>۵</sup>. کاتوزیان، ناصر، آزادی اندیشه و بیان، ص ۱۱۲-۱۰۷.

<sup>۶</sup>. همان، صص ۱۲۲-۱۲۱.

شایسته است این گفتار را با آیه شریفه ۶۸ از سوره قلم آغاز نماییم:

«ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ؛ قَسَمَ بِهِ قَلَمٌ وَ أَنْ جِهَ مِی نُوِیْسِنْد.»

هم چنین در آیه ۹۶ سوره علق نیز به اهمیت قلم اشاره گردیده است:

«الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ؛ خدایوندی که انسان را به وسیله قلم آموزش داد. آن چه را نمی دانست به او

آموخت.»

در واقع قلم و نوشتن، صورت مکتوب بیان هستند. همان گونه که سخن و بیان تنها مختص انسان است، کتابت این

سخن و بیان نیز به انسان اختصاص دارد.

قلم نیز هم چون بیان ثمره و نتیجه فکر است. در اینجا فکر از مرحله ذهنیت خارج می گردد و عینیت می یابد. آزادی قلم به این معناست که هر فردی آزادانه تفکر و عقیده اش را در قالب کتاب و نشریه و مقاله به رشته تحریر در آورد و مهم تر از آن این که پس از این امر مصونیت داشته باشد. از این طریق است که فرد می تواند با نگارش افکار خود بر رفتار و اعمال دیگران تاثیر گذارد. از این رو آزادی عقیده و اندیشه زمانی ارزشمند و قابل تقدیر است که نتایج آن نیز آزادانه ابراز گردد.

همان طور که در ابتدای بحث اشاره شد، قلم آن قدر مقدس است که خداوند به آن و آن چه با آن نوشته می شود سوگند می خورد و آن را ابزار تعلیم انسان معرفی می نماید. اما باید توجه داشت که چنانچه همین وسیله مقدس بدون هیچ قید و محدودیتی به کار گرفته شود، از تقدس و ارزش آن کاسته می گردد. آزادی به معنای واقعی وقتی تحقق می یابد که با در نظر گرفتن حقوق دیگران و نظم عمومی اعمال گردد. اگر قلم در دستان فرد عاقل و قانون مند قرار گیرد موجب رشد و تعالی افراد بشر می گردد. بالعکس قلم در دست فرد بی عقل و منطقی، چونان اسلحه ای خطرناک است که فرد دیوانه به دست گرفته باشد. هنوز هم آثار شوم قلم های زهر آگین و متجاوز به حقوق فردی، اجتماعی، حکومتی و مذهبی، در تاریخ باقی است. قلم هایی که هیچ حد و مرزی برای نگارش قائل نبوده اند. آثار مخرب جبران ناپذیری در مسائل اعتقادی و فرهنگی به جای گذارده اند. این ها همان قلم هایی هستند که هدایت کننده ی آن ها غرایز حیوانی و نفسانی هستند. در واقع عامل و انگیزه به دست گرفتن قلم در این موارد، شهوت، زیاده طلبی، شهرت طلبی، سوداگری، حزب گرایی و تعلقات سیاسی است. همه ی این موارد ناپود کننده ی ارزش و تقدس قلم هستند. بنابراین باید آزادی قلم را چنان اعمال نمود که ناجی، بیدار کننده و آگاه کننده افکار انسان ها گردد. جهت نیل به این هدف می بایستی قلم، عدالت و حق را با بهره گیری از عقل و وجدان بنگارد. در غیر این صورت آن چه قلم بر صفحه می آورد فاقد هر گونه ارزش و اهمیتی است. چنانچه قلم از بند بی بند و باری آزاد گردد و در جهت پاک سازی افراد بشر از رذایل شیطانی و نفسانی به کار گرفته شود، آزادی و عدالت بر جامعه ی انسانی سایه می افکند. پس می باید قلم ها نه تنها آزادانه بلکه عادلانه نیز بنگارند تا به هدف نهایی که رسیدن به جامعه ای آزاد و سالم است، دست یابیم.<sup>۷</sup>

## گفتار سوم: آزادی مطبوعات

جایگاه ویژه و اهمیت قابل توجه مطبوعات در جامعه کنونی بر هیچ کس پوشیده نیست. چه آن که از دریچه

مطبوعات می توان بر عقاید و افکار بخش کثیری از مردم جامعه تاثیر گذارد. لکن آن چه در این عصر باید مورد ملاحظه و توجه قرار گیرد، وجود زمینه و بستر مناسب برای بهره‌مندی از مطبوعات به عنوان ابزاری برای رسیدن به دموکراسی می‌باشد. این زمینه و بستر، بدو وابسته به عناصر دیگری است. همان طور که قبلاً گفته شد، قلم و نوشتن همان صورت و شکل مکتوب بیان هستند، اکنون نیز باید بگوییم مطبوعات در واقع نوشته‌ها و آثار مکتوبی هستند که از امتیاز رسانه‌ای نیز برخوردارند. بنابراین برای داشتن مطبوعات آزاد و سالم، بدو می‌بایست آزادی بیان و هم چنین قلم آزاد و سالم در اختیار داشت. این چنین مطبوعاتی است که ضمن حفظ ارزش‌ها و هنجارهای جامعه، اخبار و انتقادات روز جامعه را نیز آزادانه مطرح می‌نماید. چنانچه اهالی مطبوعات در این مسیر گام بردارند نه تنها مسائلی هم چون جرایم مطبوعاتی متوجه آن‌ها نمی‌گردد بلکه در جهت رشد، کمال و تعالی جامعه خود نیز گام‌های مهمی بر خواهند داشت. در این بحث ضمن معرفی آزادی مطبوعات به بررسی پیشینه و جایگاه آن خواهیم پرداخت. نهایتاً نیز جرایم مطبوعاتی را مورد بررسی قرار خواهیم داد. زیرا چنانچه وضع قوانین در خصوص جرایم مطبوعاتی سلیقه‌ای و جانبدارانه (در جهت حمایت بی‌چون و چرا از مواضع حکومت) باشد، ناشایست و غیر منطقی می‌باشد.

دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی در ترمینولوژی حقوق آزادی مطبوعات را این گونه معرفی می‌نماید: «قسمی است از آزادی‌های فردی که به موجب آن افراد حق نشر افکار و عقاید خود را از طریق نوشتجات یا مطبوعات دارا می‌باشند. بدون این که نشر آن‌ها موقوف به تحصیل اذن یا محکوم به سانسور باشد.

آزادی مطبوعات از مصادیق آزادی‌های فردی است و شامل تأسیس چاپخانه و نشر اعلان و فروش نشریه‌ها به وسیله‌ی گرداندن آن‌ها در معابر و اماکن می‌باشد»<sup>۸</sup>

به عنوان نمونه عملی اصل آزادی مطبوعات در ایران (موضوع اصل ۲۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)، می‌توان به رای صادره از هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مورخ ۹۱/۶/۲۷ با موضوع ابطال مواد ۴۷ و ۴۴، ۴۵، ۴۴، ۳۸ و ۴۵ الحاقی به آیین نامه‌های اجرایی قانون مطبوعات موضوع مصوبه شماره ۱۱۹۸۵/ت/۴۶۹۵۶ هـ- ۲۸/۱/۱۳۹۱ هیئت وزیران اشاره نمود. توضیحاً اینکه مشاور قضایی دادستان کل کشور به موجب لایحه‌ای که طی آن به موارد ذیل اشاره گردیده است، ابطال موارد فوق الذکر را خواسته:

۱- قسمت اخیر ماده ۳۸ آیین نامه مذکور که مقرر داشته است: "درج منابع اخبار خبرگزاری الزامی است."، با نص صریح ماده ۴ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۷ که اشعار می‌دارد: "اجبار تهیه کنندگان و اشاعه دهندگان اطلاعات به افشای منابع اطلاعات خود ممنوع است مگر به حکم مقام قضایی و البته این امر نافی مسئولیت تهیه کنندگان و اشاعه دهندگان اطلاعات نیست."، مغایرت دارد. هم چنین در این لایحه توضیحاتی نیز در خصوص ابطال مواد ۴۷، ۴۵ و ۴۴ نیز عنوان گردیده است که به دلیل غیر مرتبط بودن با بحث پیش رو از ذکر آن خودداری می‌گردد.

ضمناً و کیل خبرگزاری فارس نیز با استناد به اینکه این ماده در مخالفت آشکار با قوانین عادی و اساسی و تصویب آن خارج از چارچوب صلاحیت هیئت دولت می‌باشد، ماده موصوف را قابل ایراد و ابطال دانسته است، زیرا:

کلیه حقوق و تکالیف مطبوعات و خبرگزاری‌ها در قوانین موضوعه به تفصیل معین شده است و از آنجا که طبق قوانین موضوعه خبرگزاری‌ها از حیث حقوق، تکالیف و آزادی‌ها با مطبوعات در یک ردیف می‌باشند، این ماده در

<sup>۸</sup> جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش، چاپ پانزدهم، ۱۳۸۴، ص ۳۲.

تضاد با اصل آزادی مطبوعات و در بردانده ی محدودیت و تکلیفی غیر قانونی و خارج از چارچوب مواد ۱، ۴ و ۵ قانون مطبوعات و نیز ماده ۴ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات می باشد. به عبارت دیگر در نظام حقوقی ایران اصل بر آزادی مطبوعات و خبرگزاری ها می باشد و کلیه تکالیف و محدودیت ها نسبت به این رسانه ها و کلیه تکالیف و محدودیت ها نسبت به این رسانه ها می بایست به صراحت مورد اشاره و تاکید قانونگذار قرار گیرد و تنه مرجع صالح در این زمینه قوه مقننه است، نه هیئت دولت.

نهایتاً هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با امعان نظر به موارد مذکور مبادرت به صدور رای و ابطال قسمت اخیر ماده ۳۸ با این استناد که موضوع مذکور خلاف قانون و تصویب آن خارج از حدود صلاحیت و اختیارات هیئت وزیران می باشد، نموده است.<sup>۹</sup>

«آزادی مطبوعات دارای دو تعریف خاص و عام می باشد.

### ۱- آزادی مطبوعات به معنای عام

جست و جو یا جمع آوری و کسب آزادانه اخبار و اطلاعات و عقاید عمومی، انتقال، مخابره آزادانه آن ها، انتشار آزادانه روزنامه ها و پخش آزادانه برنامه های رادیویی و تلویزیونی، دریافت و مطالعه آزادانه مطبوعات و دریافت آزادانه برنامه های رادیویی و تلویزیونی را در بر می گیرد. آزادی مطبوعات در این معنای وسیع، اکنون به عنوان آزادی اطلاعات یا آزادی ارتباطات شناخته شده است.

### ۲- آزادی مطبوعات به معنای خاص

نشر آزاد روزنامه ها و سایر نشریات ادواری از قبیل هفته نامه ها، ماه نامه ها، فصل نامه ها و ... بدون هیچ گونه محدودیت و نظارت قبل از انتشار، عدم توقیف و تعطیل خودسرانه آن ها بعد از انتشار، پیش بینی دقیق ضوابط مسئولیت های قانونی نشریات و رسیدگی به تخلفات و جرایم اجتماعی آن ها در دادگاه های عادی دادگستری با حضور هیئت منصفه را شامل می شود.<sup>۱۰</sup>

روی سخن ما نیز در این پژوهش، آزادی مطبوعات در معنای اخیر است.

مطبوعات جمع مؤنث سالم کلمه مطبوع، از ریشه «طبع» می باشد. معنای لغوی «طبع»، چاپ است. بنابراین مطبوعات در معنای گسترده هر نوشته ای است که به چاپ رسیده باشد. از جمله: کتاب، مقاله، جزوه و ...

این مفهوم از مطبوعات در قوانین قدیمی تر کم و بیش مورد توجه قانونگذار بوده است. به عنوان مثال در قانون مطبوعات ۱۲۸۶ شمسی، کتاب نیز در ردیف مطبوعات و تحت این عنوان تلقی گردیده است. ماده چهار این قانون اشعار می دارد:

«طبع کتب متداول غیر از کتب ممنوعه و کتب جدید غیر از کتب مذهبی آزاد است.»

به موجب ماده ۱۹ همین قانون اعلانات نیز در ردیف مطبوعات قرار دارند:

«اعلانات رسمی که از طرف ادارات دولتی به طبع می رسند روی کاغذ سفید خواهد بود سایر اعلانات از هر کس

<sup>۹</sup>. [www.divan-edalat.ir/show.php?page=ahoshow&id=9123](http://www.divan-edalat.ir/show.php?page=ahoshow&id=9123)

<sup>۱۰</sup>. علایی، حسین، «مستثنیات آزادی مطبوعات»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۳۹، سال هفتم، مرداد و شهریور ۸۹، ص ۱۰.



و هر جا روی کاغذ رنگین به طبع می‌رسد.

هم چنین در قانون هیأت منصفه ۱۳۱۰ نیز کتاب در ردیف مطبوعات قرار گرفته است. ماده ۲ این قانون، جرمی را که به وسیله کتاب یا مطبوعات مرتب انتشار واقع گردد، جرم مطبوعاتی معرفی می‌نماید. لکن با گذشت زمان معنای مطبوعات مضیق‌تر گردید. در لایحه قانونی مطبوعات ۱۳۳۴ کتاب از محدوده مطبوعات و به تبع آن از قلمرو قانون مطبوعات خارج شد.

ماده ۱ لایحه قانونی مطبوعات ۱۳۵۸ نیز با لحاظ قیودی چون «نشریات»، «به طور منظم»، «در مواقع معین»، «با نام ثابت»، «تاریخ» و «شماره و ردیف»، مطبوعات را منحصر به روزنامه، مجله و نشریاتی نموده است که به طور مرتب در هر روز، هفته، ماه، فصل یا سال و مانند آن منتشر می‌گردند. ماده یک قانون مطبوعات ۱۳۶۴ نیز رویکردی مشابه در تعریف مطبوعات دارد.

با توجه به آن چه گفته شد، برای آن که نشریات مشمول قانون مطبوعات باشند، باید سه ویژگی داشته باشند:

۱- انجام تشریفات قانونی جهت کسب مجوز انتشار؛

۲- انتشار به طور منظم (روزانه، هفته‌ای، ماهیانه و...) و مستمر که خصیصه اصلی نشریات است؛

۳- داشتن نام ثابت در خصوص هر نشریه.<sup>۱۱</sup>

در اروپا نیز مسیری که مطبوعات از آغاز قرن هجدهم که زمان تولد نخستین نشریات دوره‌ای اروپا تا دهه‌ی چهارم قرن نوزدهم که زمان انتشار نخستین روزنامه‌ها در مشرق زمین است، مسیری بسیار طولانی و پرفرازونشیب بوده است. با ایجاد پدیده‌ای به نام «مطبوعات» در مغرب زمین، وسیله‌ای مؤثر با هدف روشنگری، بیداری و آگاه‌سازی پا به عرصه گذارد که برای هر چه بیشتر نزدیک شدن به اهداف خود به فضایی احتیاج داشت که تحت لوای آزادی گسترده شده باشد. از این رو، پس از مدتی حرکت مطبوعات به صورت مداوم و پیوسته جهت دست‌یابی به آزادی شروع گردید. در این مسیر زمانی که استبداد بر جوامع غربی حکومت می‌نمود، مطبوعات همراه با خواسته‌ها و منافع حاکم مستبد و سانسورگر به نقش آفرینی می‌پرداختند. دوره‌ای که غرب رویاروی با تجربه‌های ناشی از انقلاب‌های دموکراتیک بود، مطبوعات عقیدتی، سیاسی و انقلابی روانه‌ی بازار شدند. این مطبوعات به دست طرفداران آزادی و حکومت‌های مردمی متولد می‌گردیدند و وظیفه‌شان دادخواهی برای طبقات محروم و رنج دیده‌ی جامعه در مقابل طبقه‌ی بورژوا و ثروتمندانی بود که برای کسب قدرت تلاش می‌نمودند. لکن با برجسته‌تر شدن نقش ثروت و قدرت در غرب و دور شدن مطبوعات از اهداف اجتماعی‌شان و غلبه عواملی هم چون سرمایه، تیراژ، آگهی، تبلیغات و غیره، بر مفاهیمی چون بیداری، آگاه‌سازی، اطلاع‌رسانی، خدمت به جامعه، ترویج دموکراسی و... مطبوعات پا به عرصه جدیدی نهادند که در تاریخ به آن عصر مطبوعات خبری و تجاری می‌گویند. این دوره طرفداران و منتقدان بسیاری دارد و همچون دوره‌های قبل از سویی تاثیر پذیرفته از زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی از سوی دیگر متأثر از گسترش فضای سیاسی و نیازمند به زمینه‌سازی برای رسیدن به آزادی بیان بود و مورد اخیر نقش بسیار مؤثری در رهایی مطبوعات از سانسور، قید و بند و اختناق موجود در جوامع داشت. به عبارتی هرچه این حکومت‌ها مردمی می‌شدند و در جهت حفظ حقوق مردم و هم چنین دوام و استمرار خود به آزادی متمایل می‌گردیدند، مطبوعات نیز بدون نگرانی از قید و بندهای سیاسی فضای

<sup>۱۱</sup>. کاتوزیان، ناصر، آزادی اندیشه و بیان، صص ۲۵۰-۲۴۹.

بیشتری برای فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی خود می‌یافتند.<sup>۱۲</sup>

دلایل جان استوارت میل به عنوان یکی از اندیشمندی که در دفاع از آزادی رساله ای تدوین نموده است برای اثبات لزوم تضمین انتشار آزادانه‌ی عقاید از طریق مطبوعات عبارتند از:

۱- ممکن است حکومت به دلیل کذب دانستن عقیده‌ای آن را سرکوب نماید. در حالی که امکان دارد این عقیده صادق و ناظر به حقایقی باشد که در مقابل ادله‌ی نقیض را پیروز می‌گرداند. آنان که عقاید بالقوه صادق را سانسور می‌نمایند، طبیعتاً صدق آن را انکار می‌نمایند و با این کار فرضیه‌ای ناموجه را دستاویز به قطعیت رسیدن خود که همان قطعیت مطلق می‌پندارند، قرار می‌دهند. در حالی که ممکن است این عقاید تحت تاثیر حزب، فرقه، کلیسا و یا طبقه اجتماعی‌شان شکل گرفته باشد. اعتقاد به خطاناپذیری به معنای سرکوب حقیقت بالقوه و تصمیم‌گیری به جای دیگران، در مورد صحت و سقم عقایدشان، بدون آن که ادله‌ی خلاف را برای آن‌ها بازگو کنیم، می‌باشد.

۲- هر عقیده‌ای علی‌رغم آن که ناردستی‌اش ثابت گردد، غالباً بهره از حقیقت دارد. عقیده‌ی غالب به ندرت همان حقیقت تام می‌باشد. به این معنا که تا عقیده‌ای با عقاید مخالف روبرو نگردد حقیقت تام حاصل نمی‌گردد و این امر در مسائل عمومی از اهمیت زیادی برخوردار است.

۳- حتی اگر فرض نمائیم که عقیده‌ای، حقیقت تام باشد، چنانچه به چالش طلبیده نشود به سرعت رنگ و بوی تعصب به خود می‌گیرد و این مسئله زمانی روبه وخامت می‌نهد که این تعصب با ارباب دیگران راه رشد ذهنی آنان را مسدود نماید. عدم تضارب آراء باعث می‌گردد که مینا و معنای عقاید افراد برایشان آشکار نگردد.<sup>۱۳</sup>

## مبحث دوم: مفهوم امنیت ملی و قلمرو آن

قبل از ورود به بحث جرایم علیه امنیت ملی لازم است به تبیین مفهوم امنیت ملی و بیان برخی از تعاریف متعددی که از آن ارائه گردیده است، پرداخته شود و پس از آن جرایم مطبوعاتی را که این مفهوم را مورد تهدید و تعرض قرار می‌دهند، برشمرده شوند.

امنیت از دیرباز از اساسی‌ترین نیازهای ذاتی بشر بوده است. از جوامع انسانی اولیه که بر اساس تأمین نیازهای بشری شکل گرفته‌اند تا کشورهای کنونی که مهم‌ترین واحد سیاسی در سطح جهان تلقی می‌شوند، همواره در تأمین و حفظ امنیت کوشیده‌اند. کشورها بنا به امکانات مادی و معنوی مختلفی که دارند، منافع و اهداف متضاد و متفاوتی دارند. نیل به این منافع و اهداف متضاد موجب بروز درگیری، جنگ و کشمکش بین کشورها می‌شود و در همین راستا نیاز به حفظ امنیت ملی احساس می‌شود. چرا که امنیت ملی یکی از اساسی‌ترین پایه‌های سیاست خارجی می‌باشد. دولت‌ها برای حفظ بقای خود نیازمند این هستند که از طریق استفاده از روش‌های اقتصادی، دیپلماسی، قدرت طرح‌ریزی و قدرت سیاسی به صیانت از امنیت ملی بپردازند.<sup>۱۴</sup> البته گاهی امنیت ملی به بهانه‌ای برای دولت‌ها که به وسیله آن قانون اساسی را نادیده انگارند و از این مجرا به اهداف سودجویانه خود دست یابند تعریف شده است.<sup>۱۵</sup> گسترش روابط سیاسی و

<sup>۱۲</sup>. بیژنی، مریم، فکر آزادی مطبوعات، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، چاپ اول، ۱۳۸۴، صص ۱۱-۷.

<sup>۱۳</sup>. کین، جان، رسانه‌ها و دموکراسی، مترجم: نازنین شاه رکنی، تهران: طرح نو، چاپ اول، ۱۳۸۶، صص ۳۴-۳۱.

<sup>۱۴</sup>. [http://en.Wikipedia.Org/wiki/National\\_Security](http://en.Wikipedia.Org/wiki/National_Security)

<sup>۱۵</sup>. <http://www.Urbandictionary.com/define.php?Term=National+security>

اقتصادی، با بالا بردن توان نظامی و دفاعی، شرکت در اتحادهای نظامی و اقتصادی و همراه شدن با نظام امنیت جمعی همه برای بالا بردن ضریب امنیت ملی صورت می‌گیرد. امنیت ملی از دو واژه امنیت (اسم معنی) و ملی (صفت) تشکیل شده و معنای لغوی آن، آزادی از ترس و فقدان خطر خارج می‌باشد. لکن معنای اصطلاحی امنیت ملی، احساس آزادی کشور در پیگیری هدف‌های ملی و عدم ترس و خطر جدی از خارج نسبت به منافع اساسی و حیاتی کشور و یا به عبارتی حالت فراغ ملت از تهدید نابودی تمام یا قسمتی از جمعیت، دارایی یا سرزمین خود می‌باشد.<sup>۱۶</sup>

نمونه‌های دیگر از دیدگاه اندیشمندان در خصوص تعریف امنیت ملی عبارتند از:

۱- مایکل اچ‌لوه: «امنیت ملی شامل خط مشی دفاعی سنتی و نیز عملیات‌های غیرنظامی یک دولت برای بیمه کردن ظرفیت کامل خود، به منظور بقاء و به مثابه یک حفاظ برای جلوگیری اعمال نفوذ و به انجام رساندن اهداف داخلی و بین‌المللی می‌باشد.»<sup>۱۷</sup>

۲- دانشکده دفاع ملی کانادا: «امنیت ملی حفاظت از شیوه پذیرفته شده زندگی است و با نیازها و آرمان‌های مشروع دیگران سازگار می‌باشد. امنیت، شامل فارغ بودن از حمله نظامی یا فشار، آزادی از انهدام داخلی و رهایی از زوال ارزش‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است که بر نحوه زندگی تاثیر اساسی دارند.»<sup>۱۸</sup>

۳- ک.پ. میسرا: «امنیت یک کشور عبارت است از اینکه کشور در معرض خطر قرار نگرفته و آزاد از هرگونه تهدید و یا ترس از خطر باشد. سرانجام امنیت یک کشور یعنی ثباتی که کشور از آن برخوردار است. بنابراین در چارچوب هر نوع مقوله با ارزشی، امنیت باید چند بعدی بوده و بر اساس ملاحظات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، قومی؛ ایدئولوژیکی و همچنین نظامی بنا نهاده شده باشد.»<sup>۱۹</sup>

۴- دکتر باوند: «امنیت ملی - و یا به تعبیر دیگر: منافع ملی مجموعه شرایط و امکانات پویایی است که تحقق نیازهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را میسر می‌سازد. این شرایط و امکانات، خود، ملهم از وضع ژئوپلتیکی، ساختار اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ویژگی‌های فرهنگی و تاریخی یک جامعه و بالاخره جایگاه آن در صحنه بین‌المللی است.»<sup>۲۰</sup>

۵- لیمین: «یک ملت تا به آن حد دارای امنیت است که اگر بخواهد از جنگ اجتناب کند، این خواست به قیمت پایمال کردن ارزش‌های بنیادینش تمام نشود و اگر درگیر جنگی می‌شود، بتواند با پیروزی در آن جنگ، ارزش‌های مذکور را حفظ کند.»<sup>۲۱</sup>

با نگاهی به تعاریف فوق در می‌یابیم که چند ویژگی مهم در همه آن‌ها مشترک است:

۱- امنیت در اصل با سرنوشت گروه‌ها و جوامع انسانی در ارتباط است و فقط در حالت فرعی، امنیت افراد بشر را شامل می‌شود. بر همین اساس در عرصه بین‌الملل، امنیت وظیفه دولت دارای حاکمیت و مقتدر است.

---

<sup>۱۶</sup>. علوی‌فر، ناصر، امنیت و راهکارهای تامین و توسعه آن، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۵، صص ۲۵-۲۴.

<sup>۱۷</sup>. سلمان خاکسار، عبدالحمید، حکومت، فرد و امنیت، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۲۱.

<sup>۱۸</sup>. مرادیان، محسن، تهدید و امنیت، تهران: مرکز آموزشی و پژوهشی شهید سپهبد صیاد شیرازی، ۱۳۸۸، ص ۷.

<sup>۱۹</sup>. روحانی، حسن، امنیت ملی و نظام اقتصادی ایران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، چاپ اول، ۱۳۸۹، ص ۲۸.

<sup>۲۰</sup>. جمراسی فراهانی، علی اصغر، بررسی مفاهیم نظری امنیت ملی، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی، چاپ اول، ۱۳۷۴، ص ۹.

<sup>۲۱</sup>. ادوارد. ای. آزر و چونگ. لین. مون، امنیت ملی در جهان سوم، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۳۴۲.

۲- یکی از اهداف مسلم و مسلط امنیت ملی، ایده ثابت، تداوم و استمرار می‌باشد. در واقع گویا ثبات بوجود آمده در دوران پس از جنگ سرد، از اهمیت زیادی برخوردار گشته است؛ چرا که در دنیای امروزه که با شتاب تغییر می‌کند، دولت‌ها آگاهانه بروی اهدافی که ناظر به ثبات و حفظ وضع موجود در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌باشد، تأکید می‌کنند.

۳- امنیت در قلمرو اقتصادی نیز معنا پیدا می‌کند. شاکله امنیت در این قلمرو متغیرهایی هم چون عدم اطمینان و مخاطره هستند. مصادیق اعتماد و اطمینان در قلمرو اقتصاد بسیار متنوع است، ضمن آن که این مفاهیم معانی صریح و آشکار خود را ندارند.<sup>۲۲</sup>

در واقع در یک ارزیابی کلی می‌توان گفت امنیت ملی ایده‌ای است که چنانچه به روشنی درک و دقیقاً عمل گردد، می‌تواند مردم را بهره‌مند گرداند.<sup>۲۳</sup>

خلاصه کلام این که، عواملی همچون جنگ، ترس از انقلاب و تغییر، بی‌ثباتی اقتصادی، سلاح‌های هسته‌ای و فناوری نظامی نیاز به وجود امنیت ملی را سبب می‌گردند.<sup>۲۴</sup> در یک جمع‌بندی از تعاریف ارائه شده می‌توان دریافت که امنیت ملی به معانی و پدیده‌های زیر اطلاق می‌گردد:

الف) صیانت از تمامیت ارضی، حفاظت از جان مردم، بقاء و ماندگاری سیستم اجتماعی و حاکمیت کشور.

ب) حفظ و بهبود بخشیدن منابع حیاتی کشور.

ج) نبودن تهدید جدی از خارج نسبت به منافع ملی و اساسی کشور.<sup>۲۵</sup>

در گذشته مهم‌ترین وسیله حفظ امنیت و یا به عبارت دیگر ایجاد شرایط فوق در کشور، توانایی وامکانات نظامی بود. لکن امروزه و با تغییراتی که در سطح ملی و بین‌المللی صورت پذیرفته است، علاوه بر امکانات نظامی باید به ابراز دیگری نیز متوسل شد. امروزه امنیت از جنبه نظامی فاصله گرفته است و باید آن را در قالب اقتصاد و دانش فنی، در سایه‌ی همکاری‌های بین‌المللی جست‌وجو کرد. باتحول مفهوم امنیت ملی، عبور آن از عرصه‌های نظامی محض به فضا‌های مدرن علمی، تکنولوژیکی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی شروع گشته و متعاقب آن جنبه‌های نظامی کمرنگ‌تر می‌گردد.<sup>۲۶</sup>

## ۱- ویژگی‌های امنیت ملی

امنیت ملی دارای خصوصیات و ویژگی‌های زیر می‌باشد:<sup>۲۷</sup>

**اول. نسبی بودن:** امنیت ملی مطلق نیست بلکه امری نسبی است. به این معنا که امنیت ملی در هیچ کشوری به

<sup>۲۲</sup>. روحانی، حسن، پیشین، صص ۲۸-۲۹.

<sup>۲۳</sup>. Pareli, Prabhakan, National Security, Tata Mc Graw-Hill Publishing Company Limited, 2008, P16/available: [www.google.com/google](http://www.google.com/google) books

<sup>۲۴</sup>. GRastkin, Marcuse, the Politics of National Security, Newjersi, 1979, P 31/ available: [www.google.com/google](http://www.google.com/google) books

<sup>۲۵</sup>. وکیل، امیر ساعد، حقوق بشر، صلح و امنیت بین‌المللی، تهران: مجد، چاپ اول، ۱۳۸۳، صص ۱۳۳.

<sup>۲۶</sup>. اخوان کاظمی، بهرام، امنیت در نظام سیاسی اسلام، تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان، چاپ اول، ۱۳۸۵، ۲۷-۲۶.

<sup>۲۷</sup>. علوی‌فر، ناصر، پیشین، صص ۲۶-۲۷.

صورت کامل و مطلق وجود ندارد. از آن جا که کشورها در کنار یکدیگر و غالباً در ارتباط با هم عمل می کنند همواره به صورت بالقوه و بالفعل در معرض تهدیدات خواهند بود. بنابراین در هیچ کشوری و در هیچ زمانی امنیت مطلق برقرار نمی گردد.

**دوم. ذهنی بودن:** از دیگر ویژگی های امنیت ملی آن است که باید به وسیله مردم و حکام یک کشور احساس شود. یعنی این حس در آن ها وجود داشته باشد که ارزش های اساسی و حیاتی آن ها مورد تهدید هیچ خطری نمی باشد. از این رو امنیت یک ویژگی ذهنی و روانی نیز دارد. این ویژگی همواره مورد استفاده دولت ها در جهت القائات روانی به مردم خود مبنی بر داشتن توان کافی برای مقابله با تهدیدات است، قرار می گیرد.

**سوم. عینی بودن:** همواره این تفکر رایج وجود داشته است که امنیت یک کشور معادل با قدرت نظامی آن کشور است. اعمال قدرت نظامی برای حفظ امنیت و کسب منافع ملی از دیرباز در روابط بین الملل بوده است ولی این موضوع به معنای این نیست که امنیت ملی تنها از راه توسل به جنگ و قدرت به دست می آید بلکه باید جنگ و استفاده از توان نظامی آخرین راه حل باشد.

## ۲- اهداف امنیت ملی

پیش از ورود به این بحث ابتدا باید به این پرسش پاسخ دهیم که امنیت هدف است یا وسیله؟ در پاسخ به این پرسش باید گفته شود که امنیت از سویی هدف است و از سوی دیگر وسیله هدف است، چون ما قصد داریم که با انجام یک سری اقدامات و تلاش های پیاپی به آن دست یابیم و وسیله است چرا که می خواهیم با دستیابی به آن ارزش ها و اهداف دیگری را کسب کنیم و یا به پیش ببریم. به دیگر سخن، وسیله است؛ زیرا با داشتن آن به هدف هایی چون تأمین رفاه و آسایش مردم دست پیدا می کنیم و هدف است؛ چون با برقراری رفاه و آسایش مردم قصد داریم به امنیت برسیم. علی رغم تلاش هایی که برای دسته بندی هدف های امنیت ملی صورت گرفته است، هنوز یک دسته بندی واحد و مشخص برای آن ارائه نشده است. عده ای آن را بر حسب موضوع و مضمون به اهداف سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی و غیره تقسیم بندی می نمایند لکن در مناسبات بین کشورها تمیز دادن هدف های سیاسی، اقتصادی و نظامی از یکدیگر در عمل مشکل است و برای چنین تفکیکی معیار و ضابطه دقیقی وجود ندارد. عده ای دیگر اهداف امنیت ملی را از نظر زمانی به هدف های کوتاه مدت و بلند مدت تفکیک می کنند که البته چون اهداف قابل تبدیل به یکدیگر و قابل تغییر هستند و نمی توان به دقت تعیین نمود که کدام یک کوتاه مدت و کدام یک بلند مدت هستند، این تفکیک نیز خالی از عیب نمی باشد. به هر روی، می توان هدف های امنیت ملی را به این صورت دسته بندی کرد:

اول. دستیابی به استقلال و تمامیت ارضی

دوم. ایجاد رفاه برای مردم و برقراری ثبات سیاسی در کشور

سوم. نگهداری و ترویج ارزش های ملی و اعتقادی

چهارم. ایجاد فراغت خاطر نسبت به تهدیدهای احتمالی<sup>۲۸</sup>

<sup>۲۸</sup>. روشندل، جلیل، امنیت ملی و نظام بین المللی، تهران: سمت، چاپ اول، ۱۳۸۴، صص ۱۶-۱۸.

## مبحث سوم: محدودیت های آزادی بیان در مطبوعات و نسبت آن با امنیت ملی

با توجه به تعاریف و مفاهیمی که در مباحث اول و دوم گفته شد، در این مبحث چالش و تنش های اساسی بین مفاهیم پیش گفته بررسی خواهد شد، در واقع غایت اصلی نویسنده از طرح موضوع مناسبات بین مفهوم آزادی فردی و امنیت ملی همین مبحث می باشد. زیرا هر عملی که امنیت ملی را تهدید نماید غالباً جرم تلقی می گردد و هر جرمی در نگاه اول محدودیت آزادی افراد را به ذهن متبادر می نماید؛ جرایم مطبوعاتی بخش مهمی از جرایمی هستند که ظاهراً اعمال حق آزادی را محدود می نمایند. در واقع چنانچه آزادی بیان در مطبوعات در چالش با امنیت ملی قرار گیرد جرم محسوب می گردد. برای ورود به این مبحث ابتدا جرم مطبوعاتی را تعریف و سپس به بیان اقسام آن می پردازیم و در نهایت موضوع اصلی که بیان روابط، مناسبات و چالش های بین این دو است بررسی خواهد شد.

### گفتار اول: حدود مطبوعات

در خصوص ارائه تعریف از جرم مطبوعاتی وحدت نظر وجود ندارد. حقوقدانان نظام های حقوق مدون نظیر کشورهای فرانسه، بلژیک و ایتالیا معتقد به این هستند که جرایم مطبوعاتی ماهیتاً جرم عمومی محسوب می شوند، با این تفاوت که از طریق مطبوعات ارتکاب می یابند. نظیر افترا و توهین که به آن ها جرم مسلکی نیز گفته می شود. به این معنا که روزنامه نگار به سبب داشتن عقیده، رأی، نظر و مسلکی که در نشریه مطرح نموده تحت تعقیب قانونی قرار گیرد. موضوع اخیر جرم مطبوعاتی به معنای خاص کلمه است. لکن حقوقدانان کشورهای کامن لا، بخصوص انگلستان، بر این باورند که جرم خاصی که به آن جرم مطبوعاتی اطلاق گردد وجود ندارد و در واقع منظور از جرم مطبوعاتی، برخی جرایم عمومی است که از طریق مطبوعات ارتکاب می یابند. مانند توهین و افتراء که هر فردی که روزنامه نگار هم نباشد به سبب ارتکاب آن تحت پیگرد قانونی قرار می گیرد. برای آن که بهتر با مفهوم جرم مطبوعاتی آشنا شویم باید به دنبال یافتن معیارهایی باشیم که بتوانیم به وسیله آن ها بین این جرم و جرایم دیگر تفکیک قائل شویم. به عنوان مثال جرایم عمومی در دادگاه های عمومی و طبق آئین دادرسی عادی رسیدگی می گردند. لکن رسیدگی به جرایم مطبوعاتی طبق آئین دادرسی ویژه و در دادگاه مطبوعات صورت می گیرد. توجه به این موضوع فواید نظری و عملی تفکیک بین جرایم مطبوعاتی و عادی را روشن می سازد. از این رو تشخیص جرم مطبوعاتی از جرایم عادی ضرورت دارد. البته در مورد قوانین ایران نیز آن چه به نظر می رسد این است که همانند برخی کشورهای کامن لا، نمی توان برای جرایم مطبوعاتی ماهیت ویژه و متفاوت قائل شد.<sup>۲۹</sup>

با ذکر این توضیحات، به برخی از تعاریف ارائه شده در مورد جرایم مطبوعاتی اشاره می نمایم.

در قوانین قبل از انقلاب سه تعریف از جرم مطبوعاتی ارائه گردیده است، که به آن ها اشاره می نمایم:

قانون هیات منصفه، مصوب ۱۳۱۰، در ماده ۲ تعریف زیر را از جرم مطبوعاتی نموده است:

«جرمی که به وسیله کتاب یا مطبوعات مرتب الا انتشار واقع می شود، جرم مطبوعاتی است.»

هم چنین در لایحه ی قانونی مطبوعات که در سال ۱۳۳۱ و در زمان دکتر محمد مصدق تصویب گردیده است، در

ماده ۳۴ جرم مطبوعاتی را تعریف می نماید:

<sup>۲۹</sup>. کاتوزیان، ناصر، آزادی اندیشه و بیان، ص ۲۵۱.

«جرایمی که به وسیله رونامه‌ها یا مجله واقع شود جرایم مطبوعاتی است.»

البته همان طور که پیداست این دو تعریف که شبیه یکدیگر نیز هستند، دو ایراد مشترک دارند:

۱- به جای آن که جرم مطبوعاتی را تعریف نمایند، صرفاً به وسیله ارتکاب این جرم توجه نموده‌اند.

۲- تعریف فوق بسیار گسترده، عام و دارای ابهام است و شامل طیف وسیعی از جرایم می‌باشد. جرایمی که اصولاً نمی‌تواند جرم مطبوعاتی تلقی گردد. به عنوان مثال در ماده‌ی یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری، افرادی را که روزنامه و نشریه را وسیله ارتکاب جرم قرار می‌دهند یا این که با استفاده از تبلیغ از طریق وسایل ارتباط جمعی از قبیل رادیو، تلویزیون، روزنامه، مجله، نطق در مجامع و یا انتشار آگهی چاپی یا خطی مرتکب جرم شده باشند، مستحق تشدید مجازات تلقی شده‌اند. حتی در تبصره‌ی این ماده تعلیق مجازات افراد مذکور ممنوع گردیده است. در عمل نیز محاکمه‌ی این افراد به صورت عادی و بدون حضور هیأت منصفه صورت می‌گیرد و این استدلال که این افراد مطبوعات را وسیله ارتکاب جرم قرار داده‌اند و از این جهت جرم آن‌ها مطبوعاتی است، غیرقابل قبول و مغایر با اصول حقوقی است.

ماده‌ی ۳۰ لایحه‌ی قانون مطبوعات، مصوب ۱۳۳۴ در مورد جرم مطبوعاتی اشعار می‌دارد:

«جرم مطبوعاتی عبارت است از توهین و افترا به وسیله روزنامه یا مجله یا نشریه، از لحاظ ارتباط با مقام و یا شغل رسمی یا رویه‌ی اداری یا اجتماعی یا سیاسی، به شخص یا اشخاص. بنابراین توهین و افترا ... بدون توجه به مقام و موقعیت اجتماعی و یا بستگان شخص ... جرم مطبوعاتی نیست و جرم عادی است»

این تعریف که در زمان خفقان حکومت پهلوی و پس از ساقط نمودن حکومت ملی دکتر محمد مصدق عنوان گردیده است، جرم را محدود به توهین و افترا به شخص یا اشخاص نموده و حتی دایره‌ی این توهین و افترا را مقید به ارتباط با مقام و یا شغل رسمی یا رویه‌ی اداری یا اجتماعی و یا سیاسی نموده است. همه‌ی این تدابیر به این دلیل پیش‌بینی گردیده است تا دست حکومت در اعمال وحشیانه‌ترین مجازات‌ها علیه آزادی خواهان، از طریق محاکمه‌ی غیرعلنی مخالفان حکومت کودتا و منع حضور هیأت منصفه، باز باشد.

در قوانین بعد از انقلاب نیز اصل ۲۴ قانون اساسی جرم مطبوعاتی را این چنین تعریف می‌نماید: انتشار مطالب محفل به مبانی اسلام و یا حقوق عمومی به وسیله مطبوعات.

البته ماده ۶ قانون مطبوعات نیز در ۱۲ بند موارد منع آزادی نشریات را مشخص می‌نماید. در صدر این ماده اشعار گردیده است که نشریات جز در مورد اخلال به مبانی و احکام اسلام و حقوق عمومی و خصوصیکه در این فصل (چهارم) مشخص می‌شوند آزادند. در ذیل آن نیز موارد ممنوعیت را برشمرده است.

با توجه به آن چه گفته شد می‌توان جرم مطبوعاتی را این گونه تعریف نمود: جرمی است مبتنی بر انتشار مطالب محفل به مبانی اسلام و یا حقوق عمومی که به وسیله مطبوعات صورت گرفته است. تفسیر و تفصیل این عناوین و مصادیق آن‌ها در قانون مطبوعات که یک قانون عادی است، ذکر می‌گردد.<sup>۳۰</sup>

البته باید به این مسئله توجه داشت که بیشترین وجه افتراق این جرم از جرایم دیگر وسیله ارتکاب آن می‌باشد. به این معنا که جرم مطبوعاتی از طریق مطبوعات که مخاطبان گسترده و قابلیت انعکاس وسیعی دارد، صورت می‌پذیرد. به

۳۰. عمیقی، ابراهیم، جرم مطبوعاتی، تهران: کانون اندیشه جوان، چاپ اول، ۱۳۸۳، صص ۱۱-۱۷.

عنوان مثال جرایم توهین و افتراء، نشر اکاذیب و یا افشای اسرار دولتی و نظامی و اخبار محرمانه صرف نظر از وسیله ارتکابشان از جمله جرایم عمومی محسوب می گردند. چنان چه همین جرایم در مطبوعات ارتکاب یابند به آنها جرم مطبوعاتی اطلاق می گردد. با توجه به آن چه گفته شد جرم مطبوعاتی نیز هم چون جرایم عمومی دارای سه عنصر قانونی، مادی و معنوی است و در واقع تمایز عنصر مادی آن که همان مطبوعات است، آن را از جرایم دیگر متمایز می سازد و با توجه به اینکه در عنصر مادی جرایم مطبوعاتی، انتشار به عنوان بخشی از عمل مجرمانه می باشد، می توان گفت: اولاً ترک فعل نمی تواند به عنوان عنصر مادی این دسته از جرایم تلقی گردد و عدم انتشار جرم محسوب نمی گردد. ثانیاً از آن جایی که معنای لغوی انتشار «پراکنده، فاش و گسترده شدن» است و در عرف روزنامه نگاری هم عبارت است از پخش مطبوعات در بین مردم، به این ترتیب حصول این عنصر منوط به چاپ مطبوعات و دادن شماره هایی از آن به دست مردم است و صرف چاپ، انتشار محسوب نمی گردد.<sup>۳۱</sup>

### گفتار دوم: تعریف و تقسیم بندی جرایم مطبوعاتی

در اصل بیست و چهارم قانون اساسی ایران به ذکر عناوین اصلی حدود مطبوعات که همان عدم اخلال به مبانی اسلام و حقوق عمومی است، اشاره گردیده و تفصیل آن به قانون عادی واگذار شده است. در همین راستا، قانون مطبوعات در فصول چهارم و ششم، در موارد ۶ و ۷ و ۲۳ الی ۳۳ به حدود مطبوعات و جرایم مطبوعاتی پرداخته است. در یک تقسیم بندی کلی می توان گفت موارد فوق الذکر به تخلفات مطبوعاتی، تعرض به حقوق اشخاص و جرایم علیه امنیت و منافع عمومی قابل تفکیک هستند، که در ادامه به تفصیل به شرح آنها خواهیم پرداخت.

### بند اول: تخلفات مطبوعاتی

به موجب ماده ۷ قانون مطبوعات و در ۵ بند اموری که ممنوع و جرم محسوب می شوند، به شرح ذیل اعلام و معرفی می گردند:

\* بند الف این ماده چاپ و نشر، نشریه ای را که پروانه ندارد و یا پروانه داشته ولی اکنون لغو گردیده و یا دادگاه آن را به طور موقت یا دائم تعطیل نموده است را تخلف می داند.

\* طبق بند ب این ماده، نشر و چاپ نشریه ای که اکثر مطالب آن با آن چه متقاضی پروانه به نوع آن متعهد گردیده، مغایر باشد را ممنوع و تخلف محسوب می نماید.

\* طبق بند ج این ماده، انتشار نشریه ای که از نظر نام و علامت و شکل با نشریاتی که موجود هستند یا به طور موقت یا دائم تعطیل گردیده اند، ممنوع و تخلف محسوب می گردد.

\* مطابق بند د این ماده چنانچه نشریه ای بدون ذکر نام صاحب امتیاز و مدیر مسئول و نشانی اداره نشریه یا چاپخانه آن، چاپ و منتشر گردد، تخلف صورت گرفته است.

\* نهایتاً طبق بند هـ این ماده، مراکز نشر، چاپ و توزیع و فروش نشریات را مجاز به چاپ و انتشار و عرضه ی مطبوعات و نشریاتی که از سوی هیأت نظارت مغایر با اصول مندرج در این قانون تشخیص داده شود، نمی داند.

علاوه بر موارد مذکور، طبق بند ماده ی ۳۲ همین قانون، هر کس در نشریه ای، به دروغ خود را صاحب پروانه ی

۳۱. کاتوزیان، ناصر، آزادی اندیشه و بیان، صص ۲۵۴-۲۵۲.



انتشار یا به عنوان مدیر مسئول معرفی نماید و یا آن که بدون داشتن پروانه اقدام به انتشار نشریه نماید، طبق نظر حاکم شرع با وی رفتار می‌گردد.

هم چنین بند ب ماده ۳۳ اصلاحی منصوب ۱۳۷۹/۱/۳۰ قانون مطبوعات اشعار می‌دارد:

«چنانچه نشریه‌ای توقیف گردد، انتشار هر نوع نشریه به جای نشریه‌ی توقیف شده به نحوی که با آن از نظر نام، علامت و شکل مشتبّه گردد، ممنوع است و نشریه‌ی جدید بلافاصله توقیف می‌گردد. مرتکب چنین عملی به مجازات حبس تعزیری از سه ماه تا شش ماه و جزای نقدی از دو میلیون تا بیست میلیون ریال محکوم می‌گردد.»<sup>۳۲</sup>

### بند دوم: جرایم و تعرض علیه اشخاص از طریق مطبوعات

با توجه به عناوین جرایمی که در این گروه وجود دارد، در می‌یابیم که شباهت بسیاری با عناوینی که در جرایم عمومی مورد مطالعه قرار می‌گیرند وجود دارد. این موضوع می‌تواند شاهده‌ی باشد بر این عقیده که جرایم مطبوعاتی ماهیت مستقل ندارند و تنها تفاوت آن‌ها در رکن مادی و وسیله‌ی ارتکاب آن‌هاست. چنانچه در ادامه ملاحظه خواهیم کرد، اهم جرایم مطبوعاتی، جرایم عمومی و احیاناً سیاسی هستند که از طریق مطبوعات واقع گردیده‌اند و از این رو جرم مطبوعاتی تلقی می‌گردند.

### الف - افترا و توهین مطبوعاتی

ماده ۲۳ قانون مطبوعات تبصره‌های ۱ تا ۳ اطلاعی آن رد این خصوص اشعار می‌دارد:

«هر گاه در مطبوعات مطالبی مشتمل بر توهین یا افتراء یا خلاف واقع و یا انتقاد نسبت به شخص (اعم از حقیقی یا حقوقی) مشاهده شود، ذینفع حق دارد پاسخ آن را ظرف یک ماه کتباً برای همان نشریه بفرستد و نشریه‌ی مزبور موظف است اینگونه توضیحات و پاسخ‌ها را در یکی از دو شماره‌ای که پس از وصول پاسخ منتشر می‌شود، در همان صفحه و ستون و با همان حروف که اصل مطلب منتشر شده است، مجانی به چاپ برساند، به شرط آن که جواب از دو برابر اصل تجاوز نکند و متضمن توهین و افتراء به کسی نباشد... اگر نشریه علاوه بر پاسخ مزکور مطالب یا توضیحات مجدّدی چاپ کند، حق پاسخگویی مجدّد معترض باقی است. درج قسمتی از پاسخ به صورتی که آن را ناقص یا نامفهوم سازد و همچنین افزودن مطالبی به آن در حکم عدم درج است و متن پاسخ باید در یک شماره درج شود... پاسخ نامزدهای انتخاباتی در جریان انتخابات باید در اولین شماره درج گردد، به شرط آن که حداقل شش ساعت پیش از زیر چاپ رفتن نشریه پاسخ به دفتر نشریه تسلیم و رسید دریافت شده باشد... در صورتی که نشریه از درج پاسخ امتناع ورزد یا پاسخ را منتشر نسازد، شاکی می‌تواند به دادگستری شکایت کند و رئیس دادگستری در صورت احراز صحّت شکایت جهت نشر پاسخ به نشریه اخطار می‌کند و هر گاه این اخطار مؤثر واقع نشود، پرونده را پس از دستور توقیف موقت نشریه که مدت آن حداکثر از ده روز تجاوز نخواهد کرد، به دادگاه ارسال می‌کند.»<sup>۳۳</sup>

از نظر سابقه جرم مطبوعاتی می‌توان گفت که در ماده دو لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۳۱ و ماده ۳۰ لایحه قانونی مطبوعات ۱۳۳۴ و هم چنین ماده ۳۰ قانون مطبوعات ۱۳۶۴ با تفاوت‌هایی ذکر گردیده است. مهم‌ترین اشکالی

۳۲. هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۸۴، صص ۳۷۱-۳۷۰.

۳۳. همان، صص ۳۷۲-۳۷۱.

که در قانون ۱۳۳۱ وجود داشت این بود که بر خلاف آن چه در اصل ۷۹ قانون اساسی پیش‌بینی شده بود، وقت رسیدگی به جرم در صلاحیت دادگاه جنحه قرار داشت و این رسیدگی بدون حضور هیأت منصفه صورت می‌گرفت. مهم‌ترین تفاوت قانون مطبوعات ۱۳۶۴ و قانون مطبوعات ۱۳۳۴ در این است که بر خلاف قانون اخیر، قانون مطبوعات ۱۳۶۴ افترا صورت گرفته از راه مطبوعات را در هر صورت جرم مطبوعاتی و مشمول این قانون می‌داند و هیچ قیدی در خصوص مقام و موقعیت شخص وجود ندارد. ماده ۳۰ قانون مطبوعات ۱۳۶۴ که در اصلاحات سال ۱۳۷۹ نیز هم چنان بدون تغییر باقی مانده است اشعار می‌دارد:

«انتشار هر نوع مطلب مشتمل بر تهمت یا افتراء یا فحش و الفاظ رکیک یا نسبت‌های توهین آمیز و نظائر آن نسبت به اشخاص ممنوع است، مدیر مسئول جهت مجازات به محاکم قضایی معرفی می‌گردد و تعقیب جرایم مذکور موقوف به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت استرداد شکایت، تعقیب در هر مرحله‌ای که باشد، متوقف خواهد شد.» همان طور که ملاحظه می‌گردد ماده ۳۰ قانون مطبوعات ۱۳۶۴ تعریفی از جرم افتراء ارائه ننموده است و مجازات آن را تعیین نکرده است. این طور به نظر می‌رسد که در این مورد و تمامی موارد شبیه آن که قانون مطبوعات از مجازات یا تعزیر مرتکب سخن می‌گوید، مطابق اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها دادرس حق ندارد طبق سلیقه‌ی شخصی خود عمل نماید و می‌بایست جهت پیدا نمودن مفهوم و عناصر جرم و همچنین میزان مجازات مرتکب به قانون مجازات اسلامی مراجعه کند. در بحث افتراء نیز، اصولاً منبع قانونی، ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی است. مگر در موارد خاص افتراء که قذف محسوب می‌گردد و مشمول حد قذف می‌گردد. در این صورت به مواد ۱۳۹ الی ۱۶۴ همان قانون مراجعه می‌گردد. در خصوص جرم مطبوعاتی تهمت نیز، از آن جا که مجازات مستقلاً در قانون مطبوعات برای آن مطرح نگشته است، می‌بایست متناسب با این که توهین ساده، مشدد یا هجویه باشد به مواد ۶۰۸، ۶۰۹ و ۷۰۰ قانون مجازات اسلامی مراجعه نمود. ماده ۶۰۸ در مورد توهین به اشخاص عادی و ماده ۶۰۹ در خصوص توهین به مقامات دولتی و ماده ۷۰۰ نیز در خصوص هجو در قالب نظم و نثر می‌باشد.

در تبصره دو ماده ۳۰ قانون مطبوعات توهین به اموات چنانچه هتاکی به بازماندگان تلقی گردد جرم مطبوعاتی و قابل تعقیب می‌باشد:

«هرگاه انتشار مطالب مذکور در ماده فوق راجع به شخص متوفی بوده ولی عرفاً هتاکی به بازماندگان وی به حساب آید هر یک از ورثه‌ی قانونی می‌تواند از نظر جزایی یا حقوقی طبق ماده و تبصره فوق اقامه دعوی نماید.»

آن چه در مورد جرم مطبوعاتی توهین، در قانون مطبوعات ۱۳۶۴ قابل انتقاد است و البته در خصوص بسیاری از جرایم دیگر که در این قانون مندرج است چنین می‌باشد، معین نبودن مجازات و ارجاع آن به قانون تعزیرات سابق و قانون مجازات فعلی است. در واقع با آن که افتراء یا توهین صورت گرفته از طریق مطبوعات دارای ابعاد وسیع‌تری می‌باشد و همچنین به دلیل رسیدگی با حضور هیأت منصفه، غالباً احتمال تبریته متهم زیاد است، در قانون مطبوعات ۱۳۶۴ بر خلاف قوانین مطبوعاتی سابق مجازاتی برای آن در نظر گرفته نشده و این موضوع به قانون تعزیرات که حکم جرایم عمومی مشابه را مشخص ساخته، واگذار گردیده است.<sup>۳۴</sup>

۳۴. کاتوزیان، ناصر، آزادی اندیشه و بیان، صص ۲۵۸-۲۵۶.

## ب- سرقت ادبی و استفاده از علائم مطبوعاتی

تبصره ۱ ماده ۶ قانون مطبوعات در تعریف سرقت ادبی اشعار می‌دارد:

«سرقت ادبی عبارت است از نسبت دادن عمدی تمام یا بخش قابل توجهی از آثار و نوشته‌های دیگران به خود یا غیر ولو به قصد ترجمه». البته بند ۱۰ همین ماده این عمل را در ردیف حدود مطبوعاتی قرار داده است.

هم چنین تبصره ۳ الحاقی به ماده ۵ مصوب ۱۳۷۹/۱/۳۰ قانون مطبوعات در حمایت از نویسندگان است: «مطالب اختصاصی نشریات اگر به نام پدید آورنده اثر (به نام اصلی یا مستعار) منتشر شود، به نام او و در غیر این صورت به نام نشریه، مشمول قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان می‌باشد.» در توضیح مطلب فوق می‌توان به ماده‌ی ۲۳ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان که در تاریخ ۱۳۴۸/۱۰/۱۱ تصویب گردیده است، اشاره نمود:

«هر کس تمام یا قسمتی از اثر دیگری را که مورد حمایت ... است به نام خود یا به نام پدید آورنده‌ی نشر یا پخش عرضه کند به حبس تأدیبی از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.» هم چنین طبق همین قانون «هر کس بدون اجازه، ترجمه‌ی دیگری را به نام خود یا دیگری چاپ و پخش و نشر کند به حبس تأدیبی از سه ماه تا یکسال محکوم خواهد شد.» بند الف ماده‌ی ۳۳ اصلاحی مصوب ۱۳۷۹/۱/۳۰ قانون مطبوعات نیز در خصوص حمایت از علائم و نام نشریات می‌باشد و مرتکب آن را مشمول مجازات می‌داند:

«هرگاه در انتشار نشریه نام یا علامت نشریه‌ی دیگری ولو با تغییرات جزئی تقلید شود به طوری که برای خوانندگان امکان اشتباه باشد، از انتشار آن جلوگیری و مرتکب به حبس تعزیری شصت و یک روز تا سه ماه و جزای نقدی از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال محکوم می‌شود.»<sup>۳۵</sup>

## ج- تهدید مطبوعاتی

اولین قانونی که در ایران این جرم مطبوعاتی را مطرح می‌نماید قانون مطبوعات ۱۳۳۴ است که در ماده ۲۱ مقرر می‌دارد:

«هر کس به وسیله مطبوعات دیگری را تهدید به هتک شرف و حیثیت و یا افشای سری نماید، در صورتی که ثابت شود این تهدید برای استفاده مادی یا تقاضای انجام امری یا خودداری از انجام امری بوده است به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال و به پرداخت غرامت از یک هزار ریال تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهد شد.»

ماده‌ی ۲۵ قانون مطبوعات ۱۳۵۸ علاوه بر آن که مجازات را با زمان متناسب نموده، قید سودجویی را که مقنن ۱۳۳۴ به آن توجه خاص نموده بود را حذف گردانیده است و مطلق تهدید را بدون توجه به این که همراه با تقاضای مال یا فعل یا ترک فعلی باشد یا نباشد، جرم محسوب و مشمول مجازات تلقی نموده است.

در ماده ۳۱ قانون مطبوعات ۱۳۶۴ نیز شبیه آن چه در فوق بدان اشاره گردید مورد تأکید قرار گرفته است و تفاوت آن در این است که در این ماده هم همچون سایر مواد این قانون فقط جرم تعیین گردیده است، بدون آن که مجازاتی

۳۵. هاشمی، سیدمحمد، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، صص ۳۷۳-۳۷۱.

برای آن پیش‌بینی گردد و تعیین مجازات آن به قانون تعزیرات واگذار گردیده است. علاوه بر آن قانون مطبوعات ۱۳۶۴ علی‌رغم قوانین سابق، بدون هیچ استدلالی، تنها مدیر مسئول را مشمول مجازات دانسته:

«انتشار مطالبی که مشتمل بر تهدید به هتک شرف و حیثیت و یا افشای اسرار شخصی باشد، ممنوع است و مدیر مسئول به محاکم قضایی معرفی و با وی طبق قانون تعزیرات رفتار خواهد شد».

در واقع تعیین مجازات این جرم به ماده ۶۶۹، ارجاع گردیده است.<sup>۳۶</sup>

## بند سوم: جرایم علیه امنیت ملی

### ۱ - افشاء و انتشار اسرار و اسناد محرمانه دولتی و نظامی

طبق بند ۶ ماده ۶ قانون مطبوعات «فاش نمودن و انتشار اسناد و دستورها و مسائل محرمانه، اسرار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، نقشه و استحکامات نظامی یا انتشار مذاکرات غیرعلنی مجلس شورای اسلامی و محاکم غیرعلنی دادگستری و تحقیقات مراجع قضایی بدون مجوز قانونی» ممنوع است. هم چنین در ماده ۲۴ همان قانون آمده است: «اشخاصی که اسناد و دستورهای محرمانه نظامی و اسرار ارتش و سپاه و نقشه‌های قلاع و استحکامات نظامی را در زمان جنگ یا صلح به وسیله‌ی یکی از مطبوعات فاش کند به دادگاه تحویل تا برابر مقررات رسیدگی شود».

ماده ۲۹ این قانون نیز اشعار می‌دارد: «انتشار مذاکرات غیرعلنی مجلس شورای اسلامی و مذاکرات غیرعلنی محاکم دادگستری یا تحقیقات مراجع اطلاعاتی و قضائی که طبق قانون افشاء آن مجاز نیست، ممنوع است و در صورت تخلف طبق نظر حاکم شرع و قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد.» منظور این ماده در مواد ۵۰۱ و ۵۰۵ قانون تعزیرات صورت پذیرفته است.<sup>۳۷</sup> به موجب صدور اصل ۶۹ قانون اساسی اصل بر این است که مذاکرات مجلس علنی است ولی قسمت اخیر همین اصل به مجلس این اجازه را می‌دهد که در شرایط اضطراری، جلسات خود را غیرعلنی تشکیل دهد. هم چنین به موجب اصل ۱۶۵ قانون اساسی: «محاکمات علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آن که به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوی تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد».

### ۲- توهین به مقدّسات و مقامات سیاسی و مذهبی

توهین به مقدّسات در بند ۱ ماده ۶ قانون مطبوعات و همچنین در ماده ۲۶ همان قانون پیش‌بینی گردیده است. طبق بند ۱ ماده ۶: «نشر مطالب الحادی و مخالف موازین اسلامی و ترویج مطالبی که به اساس جمهوری اسلامی لطمه وارد کند» ممنوع است. هم چنین طبق ماده ۲۶: «هر کس به وسیله مطبوعات به دین مبین اسلام و مقدّسات آن اهانت کند، در صورتی که به ارتداد منجر شود، حکم ارتداد در حق وی صادر و اجراء اگر به ارتداد نینجامد طبق نظر حاکم شرع بر اساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد».

لکن در قانون تعزیرات آن زمان حکمی راجع به این موضوع نیامده بود ولی ماده ۱۳ لایحه‌ی قانونی مطبوعات مصوب سال ۱۳۳۴ در این زمینه اشعار می‌داشت: «هر کس مقاله‌ای مضرّ به اساس دین حنیف اسلام انتشار دهد به یک تا

<sup>۳۶</sup>. کاتوزیان، ناصر، آزادی اندیشه و بیان، صص ۲۵۹-۲۵۸.

<sup>۳۷</sup>. هاشمی، سیدمحمد، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، ص ۳۷۳.

سه سال حبس جنحه‌ای محکوم می‌شود.»

علی‌هذه، در قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ این نقیصه وجود داشت که در قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ به آن توجه گردید و رفع شد. به موجب ماده ۵۱۳ این قانون:

«هر کس به مقدّسات اسلام و یا هر یک از انبیاء عظیم یا ائمه طاهرین (ع) یا حضرت صدیق‌های طاهره (س) اهانت نماید، اگر مشمول حکم ساب‌النبی باشد اعدام می‌شود، و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.»

در این ماده منظور از ائمه طاهرین (ع)، امامان مورد قبول شیعیان اثنی‌عشری هستند و منظور از حضرت صدیق‌های طاهره نیز حضرت فاطمه (س) می‌باشد. لکن منظور از «انبیاء عظام»، چنین نیست که تنها پیامبران الوالعزم مورد اشاره‌ی این ماده باشند و در این جا غرض از به کار بردن واژه عظام تعظیم و بزرگداشت همه‌ی ۱۲۴۰۰۰ پیامبرانی بوده است که مورد اعتقاد مسلمانان هستند و از این حیث تفاوتی بین پیامبران شناخته شده الهی وجود ندارد.

منظور از مقدّسات اسلام در درجه‌ی اول ذات خداوند یکتا می‌باشد و بعد از آن همه‌ی مکان‌ها، اشیاء و افراد مورد احترام دین اسلام می‌باشد. مثل کتاب آسمانی مسلمانان یا بیت الله الحرام یا مزار شریف پیامبر (ص) و امامان (ع) و یا شخصیت‌های محترم سایر ادیان مانند حضرت مریم و هاجر (س) یا شخصیت‌های اسلامی هم چون حضرت عباس (ع)، علی‌اکبر (ع)، حمزه (ع)، زینب (س) و خدیجه (س). طبق ماده ۵۱۳ قانونگذار در دو مورد از مقدّسات پیروان ادیان دیگر حمایت نموده است:

اولاً: حمایت از پیامبران آن‌ها، به شرط آن که از نظر اسلام جزء پیامبران الهی باشد.

ثانیاً: حمایت از مقدّسات آن‌ها که از نظر اسلام مقدّس شناخته شوند.

بنابراین از نظر این ماده اهانت به انجیل فعلی جرم نیست، چراکه از نظر مسلمانان انجیل فعلی، کتابی تحریف شده است که قابل احترام نیست و از این رو می‌توان این ماده را نقد نمود. زیرا منع توهین به مقدّسات سایر مذاهب، حتی اگر مورد تأیید ما نباشند، از این جهت ضرورت دارد که اهانت به باورهای مذهبی افراد، علاوه بر این که کاری غیراخلاقی است، می‌تواند سبب اختلال در امنیت داخلی و خارجی کشور گردد. ولیکن چنانچه با اهانت کننده برخورد جدی صورت گیرد، آرامش پیروان مذهب مورد اهانت قرار گرفته شده، حفظ می‌گردد و در نتیجه امنیت کشور نیز که ممکن بود در اثر اقدامات مستقل آنان بر هم بخورد، حفظ می‌شود. در خصوص مجازات‌های پیش‌بینی شده در ماده ۵۱۳ نیز باید گفت: با توجه به موازین فقهی و آن چه در لمعه آمده است، هر گاه کسی به پیامبر (ص) یا یکی از امامان (ع) دشنام دهد، کشته می‌شود و در سایر موارد نیز به حبس از یک تا پنج سال محکوم می‌گردد.<sup>۳۸</sup>

همچنین به موجب بندهای ۸ و ۹ ماده ۶ قانون مطبوعات، توهین به مقام رهبری و مراجع مسلم تقلید و همچنین دیگر مقام‌ها و مسئولان ممنوع می‌باشد.

حفظ احترام بزرگان یک کشور و رهبران بزرگ ملت‌ها و همه‌ی اشخاصی که به نوعی منشأ خدمات ارزشمندی بوده‌اند و بر جامعه و ملت خود حق بزرگی دارند، از جمله وظایف مردم هر قوم و ملتی می‌باشد. که رعایت نمودن آن سبب برانگیخته شدن احساسات عمومی، تحریک عواطف و تأثر و تکدر دل‌ها می‌گردد. بنابراین ضروری است که

<sup>۳۸</sup> میرمحمد صادقی، حسین، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران: میزان، چاپ پنجم، ۱۳۸۴، صص ۱۶۶-۱۶۲.

قانونگذار در این راستا به وضع قانون جهت جلوگیری از این عمل و نهایتاً بر هم خورد نظم عمومی پردازد.<sup>۳۹</sup>

در ذیل به موارد مورد توجه قانونگذار در این خصوص اشاره می‌نماییم:

\* طبق ماده ۲۷ قانون مطبوعات «هرگاه در نشریه‌ای به رهبر جمهوری اسلامی ایران و یا مراجع مسلم تقلید اهانت شود، پروانه‌ی آن نشریه لغو و مدیر مسئول و نویسنده‌ی مطلب به محاکم قضایی صالحه معرفی و مجازات خواهند شد.»

\* قانون گذار در ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی در این خصوص اشعار می‌دارد:

«هر کس با توجه به سمت هر یک از رؤسای سه قوه یا معاونان رئیس جمهور یا وزراء یا یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی یا نمایندگان مجلس شورای خبرنگاران یا اعضای شورای نگهبان یا قضات یا اعضای دیوان محاسبات یا کارکنان وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها در حال انجام وظیفه یا به سبب آن توهین نماید به سه تا شش ماه حبس و یا تا ۷۴ ضربه شلاق و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود.»

\* همچنین در ماده ۵۱۷ همان قانون آمده است:

«هر کس علناً نسبت به رئیس کشور خارجی یا نماینده‌ی سیاسی آن که در قلمرو خاک ایران وارد شده است، توهین نماید به یک تا سه ماه حبس محکوم می‌شود مشروط بر این که در آن کشور نیز در مورد مذکور نسبت به ایران معامله‌ی متقابل بشود.»<sup>۴۰</sup>

از مطالعه این مواد به نکته‌ی جالبی می‌رسیم. هر دو مواد ۲۶ و ۲۷ قانون مطبوعات تعیین مجازات مرتکب را به مواد ۵۱۳ و ۵۱۴ قانون مجازات اسلامی ارجاع داده‌اند که با توجه به این مواد ملاحظه می‌گردد، در فرض اهانت به رهبر و مراجع تقلید، مجازات مدیر مسئول علاوه بر نویسنده و همچنین لغو پروانه‌ی نشریه، پیش‌بینی گردیده است. حال آن که رهبر و مراجع تقلید حرمت ویژه خود را از دین و مقدسات کسب می‌نمایند. بنابراین حفظ احترام دین و مقدسات باید ذاتی، اصلی و در اولویت و در مورد رهبر و مراجع تقلید، عرضی و تبعی باشد.<sup>۴۱</sup> به این معنا که اعمال مجازات شدیدتر در خصوص اصل دین منطقی‌تر می‌باشد.

### ۳- تحریک به ارتکاب جرم علیه امنیت کشور

ماده ۲۵ قانون مطبوعات در این خصوص مقررهای دارد که قابل بحث به نظر می‌رسد. طبق این ماده: «هر کس به وسیله مطبوعات، مردم را صریحاً به ارتکاب جرم یا خیانتی بر ضد امنیت ملی یا سیاست خارجی کشور که در قانون مجازات عمومی پیش‌بینی شده است، تحریص و تشویق نماید، در صورتی که اثری بر آن مترتب شود، به مجازات معاونت همان جرم محکوم و در صورتی که اثری بر آن مترتب نشود طبق نظر حاکم شرع بر اساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد.»

ماده فوق نقایص و نارسایی‌هایی دارد:

در زمان تصویب قانون مطبوعات یعنی سال ۱۳۶۴، از نسخ قانون مجازات عمومی و جایگزینی قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۱ گذشته بود و در این قانون نیز مجازات روشنی بر معاونت در جرم پیش‌بینی نشده بود و تنها به تعزیر معاونت

۳۹. پیمانی، ضیاء الدین، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران: میزان، چاپ ششم، ۱۳۸۶، ص ۸۰.

۴۰. هاشمی، سیدمحمد، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، ص ۳۷۵.

۴۱. کاتوزیان، ناصر، آزادی اندیشه و بیان، ص ۲۶۲.

اشاره شده بود که با توجه به اصل قانونی بودن مجازات‌ها، امکان اعمال مجازات وجود ندارد.

در قانون مجازات کنونی در صورت تحریک به انجام جرایم علیه امنیت موضوع موارد ۴۹۸ به بعد، اعمال مجازات معاون، در صورت وجود دو شرط، امکان پذیر است.

اولین شرط مطابق ماده‌ی ۲۵ قانون مطبوعات، مؤثر بودن تحریک و وقوع جرم به دنبال آن می‌باشد و دومین شرط آن است که جرم اصلی ارتکاب یافته از جرایم تعزیری باشد. چون تنها برای معاونت در جرایم تعزیری در قانون مجازات اسلامی، تعیین مجازات گردیده است و در این صورت است که مفاد اصل ۳۶ قانون اساسی، تعیین مجازات گردیده است و در این صورت است که مفاد اصل ۳۶ قانون اساسی مبنی بر اصل قانونی بودن مجازات‌ها، تحقق می‌یابد. توضیحاً این که قانون مجازات اسلامی در خصوص مجازات معاون جرم تعزیری، در ماده ۴۳ اشعار می‌دارد: «اشخاص زیر معاون جرم محسوب و با توجه به شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و تأدیب از عطف و تهدید و درجات تعزیر، تعزیر می‌شوند:

«۱- هر کس دیگری را تحریک یا ترغیب یا تهدید و یا تطمیع به ارتکاب جرم، نماید و یا به وسیله دسیسه و فریب و نیرنگ موجب وقوع جرم شود.

۲- ...»

البته ماده ۴۳ نیز با ارائه‌ی قاعده‌ی کلی تعزیر معاون جرم، نتوانسته مبهم بودن مجازات و مخدوش بودن اصل قانونی بودن مجازات‌ها را مرتفع سازد و در واقع ماده ۷۲۶ قانون مجازات اسلامی است که راه حل نسبتاً قاطعی را در این خصوص ارائه نموده است:

«هر کس در جرایم تعزیری معاونت نماید حسب مورد به حداقل مجازات مقرر در قانون برای همان جرم محکوم می‌شود.»

در هر صورت چنانچه تحریک و تشویق و تحریص به ارتکاب جرم علیه امنیت کشور، مؤثر واقع نگردد، عمل ارتكابی قابل مجازات به نظر نمی‌رسد. همچنین در مواردی که تحریک مؤثر می‌باشد، لکن جرم صورت گرفته در پی تحریک، از حدود به عنوان مثال محاربه است.<sup>۴۲</sup>

در پایان باید گفت طبق بند الف ماده ۱۳۳ اصلاحی مصوب سی ام تیر هزار و سیصد و هفتاد و نه قانون مطبوعات تحریص و تشویق افراد و گروه‌ها به ارتکاب اعمالی علیه امنیت، حیثیت و منافع جمهوری اسلامی ایران در داخل یا خارج و نیز طبق ماده ۶ قانون مطبوعات پخش شایعات و مطالب خلاف واقع و یا تحریف مطالب دیگران از جمله مصادیق اخلال به حقوق عمومی محسوب می‌گردد.<sup>۴۳</sup>

#### ۴- منتشر نمودن مطالب و تصاویر منافی عفت

طبق ماده ۲۸ قانون مطبوعات ۱۳۶۴ «انتشار عکس‌ها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی ممنوع و موجب تعزیر شرعی است و اصرار بر آن موجب تشدید تعزیر و لغو پروانه خواهد بود.»  
در این ماده نیز مجازات جرم تعریف شده، تعزیر شرعی عنوان گردیده است که در ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی

۴۲. همان، صص ۲۶۲-۲۶۱.

۴۳. هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، ص ۳۷۳.

این گونه معرفی شده است: «تعزیر، تأدیب یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و به نظر حاکم واگذار شده است. از قبیل حبس و جزای نقدی و شلاق که میزان شلاق، بایستی از مقدار حد کمتر باشد.»

البته این ماده ناظر به قضاتی است که مجتهد جامع الشرایط هستند نه قضات مأذون. قضات دادگستری نیز قاضی مأذون هستند و حدود اذن آنها نیز همان است که در ابلاغ آنان ذکر شده و نمی توانند برای اعمالی که در قانون برای آنها مجازاتی در نظر گرفته نشده، مجازات تعیین نمایند. از این رو به نظر می رسد تنها راه مجازات متخلف از ماده ۲۸ قانون مطبوعات رجوع به ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی است که اشعار می دارد:

«اشخاص ذیل به حبس از سه ماه تا یک سال و جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال و تا ۷۴ ضربه شلاق یا به یک یا دو مجازات مذکور محکوم خواهد شد:

۱ هر کس نوشته یا طرح، گراور، نقاشی، تصاویر، مطبوعات، اعلامات، علایم، فیلم، نوار سینما و یا به طور کلی هر چیز که عفت و اخلاق عمومی را جریحه دار نماید برای تجارت یا توزیع به نمایش و معرض انظار عمومی گذارد یا بسازد یا برای تجارت و توزیع نگاهدارد؛

۲- ...؛

۳- هر کس اشیاء فوق را به نحوی از انحاء منتشر نماید یا آنها را به معرض انظار عمومی بگذارد ...»

نکته دیگری که باید در خصوص ماده ۲۸ قانون مطبوعات گفت، تشدید تعزیر لغو پروانه در صورت اصرار بر جرم است. در این جا دو نکته مهم به نظر می رسد:

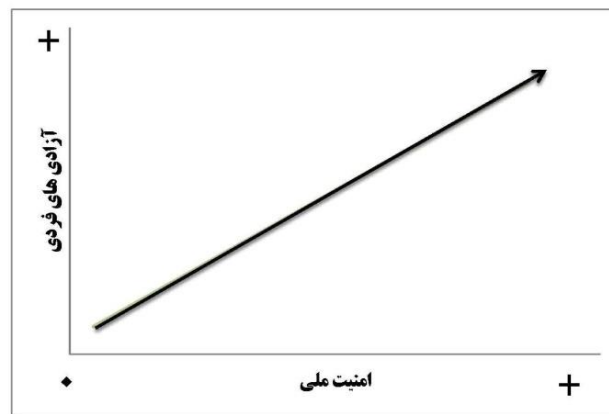
نکته ی اول این است که مشخص نیست که منظور از اصرار بر جرم چیست؟ آیا منظور تکرار جرم است یا تعدد آن؟ دکترین حقوقی اصرار را منصرف به تکرار می دانند نه تعدد.

نکته ی دوم نیز این است که تشدید تعزیر با توجه به نبود معیار تعیین تشدید و نامعلوم بودن آن، به نظر ممکن نمی باشد.<sup>۴۴</sup>



## نتیجه‌گیری و پیشنهادات

با توجه به آنچه ذکر شد، می‌توان گفت: آزادی‌های افراد تا آن جا محترم شمرده می‌شوند که امنیت و آزادی دیگر افراد جامعه را تهدید ننمایند. امنیت نیز تا آن جا قابل دفاع و پاسداری است که آزادی‌های مشروع افراد جامعه را در معرض خطر قرار ندهد. در واقع هر دو دیدگاه قابل دفاع به نظر می‌رسند. به این معنا که چنانچه هدف واقعی دولت‌ها حفظ و حمایت امنیت ملی باشد نه تنها افراد از آزادی‌های خود محروم نمی‌گردند بلکه در سایه امنیت، بهره‌ی بیشتری از آزادی کسب می‌نمایند. هم‌چنین می‌توان نتیجه گرفت توجه یکسویه به آزادی‌های فردی، بدون در نظر گرفتن امنیت ملی نتیجه‌ای جز اغتشاش و ناآرامی نخواهد داشت زیرا در این شرایط عده‌ای از افراد آزادی‌شان را دستاویزی برای سلب آزادی‌های دیگران قرار می‌دهند. در مقابل محروم ساختن مردم یک جامعه از آزادی‌های مشروع و به حقشان، به بهانه حفظ امنیت ملی، ایشان را در صدد احیای حقوق مسلم و ضروری‌شان مجبور به اغتشاش، ایجاد ناامنی و حتی اقدام در جهت براندازی حکومت مستبد و انتقاد ناپذیر می‌نماید. بدیهی است که آزادی و امنیت دو روی سکه حقوق انسانی یک ملت هستند که نادیده گرفتن هریک از این ابعاد بدون تردید به معنای نابودی بعد دیگر است و در این صورت افراد ملت نه تنها نصیبی از آزادی نخواهند داشت، بلکه امنیت نیز با چنین جامعه‌ای بیگانه است. بنا بر این باید امنیت را در خدمت اعمال آزادی‌های فردی و عمومی برقرار نمود، نه در جهت سرکوب و نادیده گرفتن آن.



در واقع باید گفت هرچند تعامل بین دو مفهوم امنیت ملی و آزادی‌های فردی خالی از تعارض نیست، لکن این تعارض وجه مسلمی از این رابطه است که می‌تواند هم جامعه را به سمت و سوی تعالی ببرد و هم نابودی. چنانچه این پارادوکس در جهت کنترل متقابل و منطقی هر یک از دو مفهوم امنیت و آزادی به کار گرفته شود مفید و مقبول است. ولی اگر از این تعارضات در جهت سرکوب کردن و نادیده گرفتن هر یک از این مفاهیم استفاده شود معنا و کاربرد واقعی خود را از دست می‌دهد.

با توجه به آن چه که در طی نگارش مقاله به دست آمده برای کمتر نمودن چالش‌ها و تعارضات بین آزادی‌های فردی - که در این جا منظور آزادی بیان در مطبوعات است - با امنیت ملی می‌توان پیشنهادات ذیل را مطرح نمود:

۱- دستگاه حکومتی می‌بایست به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها پایبند باشد. به این معنی که تا عملی یا ترک فعلی به واسطه‌ی وضع قانون و با رعایت تشریفات خاص آن به عنوان جرم معرفی نگردیده و برای آن مجازات پیش‌بینی نگردیده است، حکومت و دستگاه قضایی، صرف آن که آن فعل یا ترک فعل را سبب تهدید امنیت ملی می‌دانند، حق ندارند مرتکب آن را تحت تعقیب قرار دهند و مجازات نمایند.

۲— قوه‌ی مقننه، هنگام وضع قانون وظیفه دارد با در نظر گرفتن نیازهای روز جامعه و ارزش‌های مورد احترام در همان زمان، بدون جانبداری از حکومت و با در نظر گرفتن ظرفیت افراد جامعه به اعطا محدودی وسیع‌تری از آزادی‌ها بپردازد. هم‌چنین در همین راستا، باید متذکر شد که اعطاء و حفظ آزادی‌های مشروع افراد همان قدر دارای اهمیت است که حفظ امنیت ملی دارای ارزش می‌باشد. بنابراین در وضع قوانین باید به این نکات توجه گردد. قانون بی طرف، که هدف نهایی آن تامین مصالح مردم است نه منافع حکمرانان مورد احترام ملت و ضمانت اجرای آن وجدان عمومی است و این ضمانت اجرا در عین حال که مردم را از حقوق و آزادی‌های فردیشان بهره‌مند می‌سازد، امنیت سرزمین، جمعیت و حکومت آن جامعه را نیز تامین می‌کند. وضع چنین قانونی بدو مستلزم این است که مقنن بین وجدان عمومی و وجدان حاکمان تفکیک و تمایز قائل گردد و صرف آنکه عملی ناخوشایند زمامداران است آن را به عنوان عامل جریحه دار شدن نظم عمومی تلقی ننماید. چنین قانونی است که مشروع و قایل تکریم می‌باشد. در غیر این صورت قانون با نادیده گرفته شدن از سوی مردم محکوم به نابودی و زوال است.

۳— آزادی تا جایی ارزشمند و قابل احترام است که به اغتشاش و ناآرامی منتهی نگردد. مردم یک جامعه می‌بایست از آزادی‌های مشروعشان در جهت رشد، تکامل و تعالی خود و جامعه‌شان بهره‌گیرند. نه آن که استفاده از این آزادی‌ها را دستاویزی برای تجاوز به حقوق دیگران، توهین، سلب حیثیت و آرامش، ناامنی و اغتشاش قرار دهند. دولتمردان نیز باید متوجه این موضوع باشند که برای حفظ امنیت ملی ناگزیر از آن هستند که از اختناق و فشار بر مردم جامعه بکاهند. چرا که تجاوز به آزادی‌های مشروع مردم نیز هم چون وجود آزادی‌های بی‌قید و شرط امنیت جامعه را در معرض خطر قرار می‌دهد.

۴— چنانچه پابندی به ارزش‌های اخلاقی و انسانی سرلوحه‌ی رفتار مدنی انسان‌ها قرار گیرد، می‌توان در نظم و آرامش به اهداف جامعه از جمله آزادی و امنیت دست یافت. اگر مردم از یک سو به ارزش‌های اخلاقی احترام گذارند و دولت از سوی دیگر به حقوق بشر ملزم گردد ضمن آن که تعارضات بین حفظ آزادی و برخورداری از امنیت میسر می‌گردد، می‌توان به اهداف متعالی جامعه دست یافت.

در پایان باید گفت تعامل بین دو مفهوم امنیت ملی و آزادی‌های فردی خالی از تعارض نیست. در واقع این تعارض وجه مسلمی از این رابطه است که می‌تواند هم جامعه را به سمت و سوی تعالی ببرد و هم نابودی. چنانچه این پارادوکس در جهت کنترل متقابل و منطقی هر یک از دو مفهوم امنیت و آزادی به کار گرفته شود مفید و مقبول است. لکن چنانچه از این تعارضات در جهت سرکوب کردن و نادیده گرفتن هر یک از این مفاهیم استفاده شود معنا و کاربرد واقعی خود را از دست می‌دهد.

## منابع

### ۱- فارسی

#### الف- کتب

۱. اخوان کاظمی، بهرام، امنیت ملی در نظام سیاسی سلام، تهران: کانون اندیشه جوان، چاپ اول، ۱۳۸۵
۲. ادوارد. ای. آزر و چونگک. لین. مون، امنیت ملی در جهان سوم، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول، ۱۳۷۹
۳. بیژنی، مریم، فکر آزادی مطبوعات، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، چاپ اول، ۱۳۸۴
۴. پیمانی، ضیاءالدین، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران: میزان، چاپ ششم، ۱۳۸۶
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش، چاپ پانزدهم، ۱۳۸۴
۶. جمراسی فراهانی، علی اصغر، بررسی مفاهیم نظری امنیت ملی، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی، چاپ اول، ۱۳۷۴
۷. روحانی، حسن، امنیت ملی و نظام اقتصادی ایران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، چاپ اول، ۱۳۸۹
۸. روشندل، جلیل، امنیت ملی و نظام بین المللی، تهران: سمت، چاپ اول، ۱۳۸۴
۹. سلمان خاکسار، عبدالحمید، حکومت، فرد و امنیت، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی، چاپ اول، ۱۳۸۸
۱۰. علوی فر، ناصر، امنیت و راهکارهای تأمین و توسعه آن، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۵
۱۱. عمیقی، ابراهیم، جرم مطبوعاتی، تهران: کانون اندیشه جوان، چاپ اول، ۱۳۸۳
۱۲. قاضی، ابوالفضل، بایسته‌های حقوق اساسی، تهران: میزان، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۸۵
۱۳. کاتوزیان، ناصر و همکاران، آزادی اندیشه و بیان، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲
۱۴. کین، جان، رسانه‌ها و دموکراسی، مترجم: نازنین شاه رکنی، تهران: طرح نو، چاپ اول، ۱۳۸۶
۱۵. مرادیان، محسن، تهدید و امنیت، تهران: مرکز آموزشی و پژوهشی شهید سپهبد صیاد شیرازی، چاپ اول، ۱۳۸۸
۱۶. میرمحمدصادقی، حسین، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران: میزان، چاپ پنجم، ۱۳۸۴
۱۷. هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دادگستر، چاپ دوم، جلد دوم، ۱۳۷۸
۱۸. هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۱۹. وکیل، امیر ساعد، حقوق بشر، صلح و امنیت بین المللی، تهران: مجد، چاپ اول، ۱۳۸۳

#### ب- مقاله

۲۰. علایی، حسین، مستثنیات آزادی مطبوعات، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۳۹، سال هفتم، مرداد و شهریور ۸۹

#### ج- سایت‌ها

21. [http://en.Wikipedia.Org/wiki/National\\_Security](http://en.Wikipedia.Org/wiki/National_Security)
22. [http://www.divan\\_edalat.ir/show.php?page=ahoshow&id=1](http://www.divan_edalat.ir/show.php?page=ahoshow&id=1)

۲- انگلیسی

الف- کتب

1. GRastkin, Marcuse, the Politics of National Security, Newjersi, 1979, P 31/ available: [www.google.com/google](http://www.google.com/google) books
2. Pareli, Prabhakan, National Security, Tata Mc Graw-Hill Publishing Company Limited, 2008, P16/available: [www.google.com/](http://www.google.com/) google books

ب- سایت

3. [http://www.Urbandictionary.com/define.php? Term= National + security](http://www.Urbandictionary.com/define.php?Term=National+security)

**Abstract**

Freedom and Security are two key requirements for achieving a progressive society and a people-oriented state. Obviously, these two are dependent on each other, i.e., one is required for the achievement of the other. This paper has a focus on freedom of speech in media, in particular. Freedom of speech is considered as one of individual freedom, which requires democracy and the state officials who are open to criticism. Newspapers address a wide variety of individuals and have high influence on public opinion. This paper has selected this form of freedom of speech for further research. Freedom acts like a security valve, which may guarantee the national security. When a government feels obliged to observing the legality of crimes and punishments, do not find it prudent to punish certain individuals on the pretext of undermining national security. Legislative Body should also act fairly and only based on facts. These are the only ways to protect rightful individual freedoms, allow humanistic moral values to manifest themselves, and protect national security from anarchy and disorder.

**Keywords**

Freedom and Security, Freedom of speech, Punishments.